

مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی در مکتب شهید

سلیمانی*

مرتضی غرسبان روزبهانی^۱

مختار شیخ حسینی^۲

چکیده

عملکرد سردار سرفراز، شهید حاج قاسم سلیمانی، نشأت گرفته از ایدئولوژی و مکتب انسان‌سازی است که از آن به مکتب شهید سلیمانی یاد شده و مقوله «انتظار راهبری» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این مکتب شمرده می‌شود. انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است که پرداختن به بعد سیاسی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق به دنبال تبیین مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی است. با نگاهی به سیره، رفتار و گفتار سردار شهید سلیمانی می‌توان مواردی نظیر توحید و حاکمیت الهی، امامت و ولایت، تحقق عدالت، عقلانیت، اقدام و عمل‌گرایی، تکلیف‌محوری و وظیفه‌گرایی و اعتقاد، ایمان و توکل را از مبانی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی دانست که بر پایه آن، شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی نیز در مواردی مانند ولایت‌مداری، جهانی‌اندیشیدن، تمدن‌سازی اسلامی، امیدآفرینی، بصیرت، عزت، استقلال، وحدت و همبستگی، جهاد همه‌جانبه و همیشگی، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی، ایثار و شهادت‌طلبی، مقاومت و استقامت، و در نهایت تقویت درونی و آمادگی، قابل‌تصور است. نوع گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و با روش توصیفی - تحلیلی به پاسخگویی به سؤال تحقیق، پرداخته است.

واژگان کلیدی

مبانی، شاخصه‌های سیاسی، انتظار، انتظار راهبردی، مکتب شهید سلیمانی.

مقدمه

اندیشه مهدویت در فرهنگ شیعی به علت گره خوردن آن با اعتقاد به امام‌حی و غایب از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است و دارای ظرفیت‌ها، کارکردها و آثار متعددی است؛ و در

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۷

۱. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Mgh1534@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (m.sheikhossini@isca.ac.ir).

حوزه‌های فردی و اجتماعی آثار و پیامدهای بسیاری دارد. بیشترین آثار و کارکردهای مهدویت، با بحث «انتظار» گره خورده است.

«انتظار» یکی از محوری‌ترین دال‌های مرکزی آموزه مهدویت به شمار می‌آید. مفهوم انتظار در این ساختار، به معنای چشم به راه بودن برای آمدن منجی است که جهان پر از ظلم را به جامعه‌ای پر از عدل و داد تبدیل خواهد کرد. در یک دسته‌بندی می‌توان انتظار را به دو گونه انتظار راهبردی و غیرراهبردی تقسیم کرد. در ماهیت انتظار غیرراهبردی، سکون و ایستایی و دست روی دست گذاشتن، چهره غالب است؛ و در مقابل در انتظار راهبردی، حرکت، شور و میل به تغییر وجود دارد.

«انتظار راهبردی» که موضوع اصلی این تحقیق است، از یک سو بر مبانی خاصی استوار بوده و از سوی دیگر، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از شاخصه‌های اساسی برخوردار است. که این تحقیق به دنبال استخراج مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی است.

همچنین از آن‌جا که شهید قاسم سلیمانی، به تعبیر مقام معظم رهبری نه یک فرد بلکه یک مکتب (خامنه‌ای، ۱۰/۲۷/ ۱۳۹۸) در مسیر مکتب اسلام محسوب می‌شود، تلاش می‌گردد که این مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، در مکتب این شهید والامقام بررسی و واکاوی گردد.

براین اساس، این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی بر چه مبانی استوار بوده و از چه شاخصه‌های سیاسی برخوردار است؟ لذا در پاسخ به این سؤال تلاش می‌شود تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به گردآوری داده‌ها و اطلاعات پرداخته و در ادامه با به کارگیری روش توصیفی - تحلیلی به طبقه‌بندی و پردازش آنها اقدام شود.

در خصوص پیشینه پژوهش نیز هرچند در خصوص آموزه انتظار، آثار متعددی نوشته شده است که بیشتر به بحث از مفهوم‌شناسی انتظار یا جایگاه آن در آیات و روایات پرداخته‌اند. برخی نیز به بحث از انتظار پویا یا همان انتظار راهبردی پرداخته‌اند؛ مانند کتاب *الانتظار الموجه* اثر محمد مهدی آصفی که با عنوان انتظار پویا به قلم تقی متقی ترجمه شده است؛ مقاله «انتظار پویا در پرتو آموزه‌های وحیانی در اندیشه مقام معظم رهبری» اثر محمد هادی منصوری و علیرضا شیرزاد (۱۳۹۸) که در شماره ۶۶ فصل‌نامه *انتظار موعود* منتشر شده و نیز مقاله «آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی» نوشته راضیه

علی‌اکبری (۱۳۹۲) که در فصل‌نامه *انتظار موعود* به چاپ رسیده است؛ که این موارد، پیشینه عام موضوع تحقیق حاضر محسوب می‌شود و هیچ‌کدام از این آثار و موارد مشابه، یا اصلاً به بحث از مبانی و شاخصه‌های انتظار نپرداخته‌اند یا رویکرد آنها رویکردی متفاوت از رویکرد سیاسی این نوشتار بوده است؛ و لذا تحقیق مستقلی که به مبانی انتظار راهبردی و همچنین شاخصه‌های سیاسی آن بپردازد، امری ضروری است. علاوه بر این رویکرد، نوآوری دیگر این تحقیق را می‌توان در واکاوی این موضوع بر اساس مکتب شهید سلیمانی برشمرد. در مجموع از حیث پیشینه خاص، با جستجو در آثار نگاشته شده در خصوص آموزه مهدویت و انتظار، به اثری که بیانگر مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی باشد، مواجه نشدیم.

مفهوم‌شناسی تحقیق

از شیوه‌های پسندیده در هر علم و تحقیق و پژوهشی، این است که نخست، واژه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات خاص مربوط به آن، دقیق و روشن بیان شود؛ زیرا مجموعه مفاهیم و اصطلاحات واژه‌های مربوط به هر علم با علم دیگر و نیز زبان هر دانش با دانش دیگر تفاوت‌هایی دارد و بدون آشنایی عمیق با این اصطلاحات، شناخت دقیق موضوع تحقیق میسر نخواهد شد. از سوی دیگر، اگر اصطلاحات و مفاهیم واژه‌ها به درستی تبیین نشود، بی‌تردید اشتراک لفظی و تعدد و تکرر معنا، موجب اختلاط مفهومی، تداخل، ابهام، سردرگمی و اختلاف می‌شوند؛ بدین جهت برای ایجاد زبان واحد برای تفاهم و تبادل اندیشه، تبیین اصطلاحات واژه‌ها و مفاهیم، ضروری است. مفاهیم و واژه‌ها نقش اساسی در ایجاد فهم مشترک نسبت به موضوعات هر علمی ایفا می‌کنند. لذا لازم است قبل از پرداختن به هر موضوعی آن مفاهیم مورد بررسی و پردازش قرار گیرند تا از این رهگذر اولاً فهم مشترکی نسبت به موضوع بدست آید و ثانیاً ابهامات و اختلافات محتمل لفظی بر طرف شود. از این رو مهم‌ترین مفاهیم به کار رفته در این تحقیق، عبارتند از:

۱. مبانی

واژه مبنا در لغت به معنای اساس، شالوده، پایه و بنیاد است (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ج ۱۳: ۲۰۱۱۹). لغت‌شناسان این کلمه را با واژه‌های اصل، قاعده و ضابطه هم‌معنا دانسته‌اند، ولی به تدریج این کلمه بر پیش‌فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و نیز دلایل اثبات یک نظریه، اطلاق شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۱ش: ۲۳).

در کتاب *التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم* نیز پس از نقل سخن لغت‌شناسان عرب در مورد واژگان «بنی» چنین آمده است:

معنای اصلی این واژه، ضمیمه‌سازی اجزاء و مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه، با کیفیت و هیئت خاص است، خواه آن ساختار مادی و یا معنوی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ج ۱، ۳۲۶).

بنابراین آنچه موجب پیدایش ساختار شیئی می‌گردد، مبانی و پایه‌های آن به شمار می‌آیند. همچنین معادل واژه مبانی در زبان انگلیسی واژه foundation است که به معنای پایه‌ها، شالوده‌ها و اصول بنیادین به کار رفته است (حق‌شناس، ۱۳۹۸ ش: ج ۱، ۶۳۷).

بنابراین معنای کلمه مبانی در لغت عربی، فارسی و معنای معادل آن در انگلیسی یکسان است، جالب است بدانیم در قرآن کریم نیز آیات شریفه‌ای وجود دارد که در آنها، کلمه بنیادین، به کار رفته است و به معنای پایه، پی‌نهاد، زیرساخت، ضمیمه‌سازی اجزاء و مواد و عناصر یکدیگر برای پیدایش ساختار ویژه است، از جمله این آیات، آیه شریفه ذیل است:

﴿أَفَنُؤَسِّسُ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ...﴾ (توبه: ۱۰۹)؛

آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی کرده.

در مجموع مراد از مبانی، پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی و دلایلی می‌باشد که با تولید بینشی ویژه، زیرساختی متناسب به مخاطب می‌دهد؛ بنابراین مبانی به چیزهایی گفته می‌شود که ثابت بوده و پایه و اساس امور دیگر هستند؛ که به آن دسته از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا عملی گفته می‌شود که انسان با پذیرفتن و مبنا قرار دادن آنها به بررسی ابعاد دیگر یک موضوع می‌پردازد.

۲. شاخصه

«شاخص» از نظر اهل لغت از ریشه «ش خ ص» در بردارنده معنای برجستگی و ممتاز فرد یا چیزی است (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ج ۱، ۲۶). «شاخص» در زبان فارسی به معنای مرتفع، بلند، ممتاز، خیره‌ماندن، برجسته، نمودار و... آمده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳ ش: ج ۳۴، ۲۲۷؛ عمید، ۱۳۴۲ ش: ۷۶۹ و...). این واژه امروزه غالباً به معنای میزان و معیار اندازه‌گیری و ارزشی است که برای تشخیص یک مقوله به کار برده شود (مشیری، ۱۳۷۴ ش: ۶۰۶). برابر مصوب

فرهنگستان فارسی، معنای اصطلاحی شاخصه عبارت است از: جزئی‌ترین ویژگی و وجه منحصر به فرد یک‌دست ساخته که آن را از سایر دست ساخته‌ها متمایز می‌کند. در این پژوهش نیز منظور از شاخص‌ها، معیارها، ویژگی‌ها و وجوهی است که انتظار راهبردی را از دیگران متمایز می‌کند. شاخص‌ها را از لحاظ سطح به شاخص‌های کلان و خرد و از لحاظ ارتباط با موضوع به شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کنند.

۳. انتظار

انتظار به عنوان یکی از محوری‌ترین آموزه‌های مهدویت، به دو بخش راهبردی و غیرراهبردی قابل تقسیم است.

انتظار در لغت به معنای چشم به راه بودن (زبیدی، ۱۳۸۵ ش: ج ۷، ۵۳۹) همراه با نگرانی است (معین، ۱۳۸۷ ش: ج ۱، ۳۶۴) و در اصطلاح کلامی که برگرفته از روایات است، همان چشم داشتن به وعده الهی همراه با سعی و تلاش در آماده ساختن روح و جسم خود و جامعه است برای روزی که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام گشایشی در همه شئون زندگی بشر پدید آید (گل محمدی آرمان، ۱۳۸۴ ش: ۲۴۱).

از منظر ادبیات دینی انتظار چشم داشتن به تحقق وعده الهی مبنی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که با آمدنش جهان پراز ستم را پراز عدل و داد می‌کند. بر این اساس، ماهیت انتظار آمیزه‌ای از دو عنصر نفی و اثبات است. عنصر نفی به معنای بیگانگی با وضع موجود و ناخشنودی از آن و عنصر اثبات، امید به آینده‌ای روشن و آرمانی و بسترسازی برای آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۷، ۳۸۲).

در مجموع می‌توان گفت:

انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۶).

۴. راهبرد

راهبرد، ترجمه واژه «استراتژی» است که برگرفته از مفهومی نظامی است که در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، تجارت، مدیریت، سیاست و فرهنگ نیز کاربرد دارد. برای واژه راهبرد تعریف‌های متعددی بیان شده است؛ اما شاید بهترین تعریف این باشد که راهبرد به معنای سیاست، برنامه یا یک طرح کلان به منظور سازماندهی و مدیریت اقدامات گوناگون برای

دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت با توجه به تغییرات محیطی و شکل دادن به آینده و کنترل آن دانست؛ از این رو یک راهبرد بهینه، حاوی تعریف هدف بلندمدت، راهکارهای دستیابی به آن، چگونگی به کارگیری ظرفیت‌های گوناگون و پیش‌بینی منابع لازم است (انوری، ۱۳۸۱ش: ۲۶۸).

راهبرد واژه‌ای است که ابتدا در عرصه نظامی به کار رفته و با واژه استراتژی^۱ هم‌معنی است. این مفهوم بعداً در عرصه‌های دیگری چون: اقتصاد، و به ویژه در عرصه سیاست و مملکت‌داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است؛ و غرض از آن دست زدن به کارهایی است که برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت، برایش سازماندهی صورت می‌گیرد. استراتژیک تنها در حوزه نظامی نیست بلکه ابعاد مختلف سیاست، اقتصاد و حتی فرهنگ کاربرد دارد و می‌تواند در این زمینه‌ها هم زمینه‌پویایی و پیشرفت ملی و هم زمینه‌مقابله با استکبار، از جنبه دفاعی را داشته باشد.

۵. انتظار راهبردی

انتظار از مهم‌ترین مباحث در دوره غیبت است و در روایات از بزرگ‌ترین اعمال شمرده شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۱ و ۴۰۳). برداشت‌ها و تفاسیر مختلف از روایات انتظار موجب شده دیدگاه‌های متعددی درباره آن مطرح شود. از این رو انتظار به دو نوع عمده تقسیم می‌گردد: انتظار مثبت و سازنده و انتظار ویرانگر و منفی همراه با جمود و خمود.

انتظار مثبت، سازنده و بالنده، عبارتست از دعوت به مقاومت در برابر دشمنان و نپذیرفتن باطل. فرد منتظر با انجام اعمال صالح و برخورداری از شهامت و آگاهی، خود و جامعه را مهبیای ظهور منتظر می‌کند. ایستایی، بی‌تفاوتی و همنوایی با وضع موجود و صرفاً منتظر ظهور موعود نشستن در این نگرش کاملاً مطرود است. مراد از انتظار فرج در منابع روایی، انتظار اثرگذار است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۹۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ق: ۴۷۹؛ مجلسی، ۱۳۹۷ق: ج ۵۲، ۱۲۲). همین انتظار، شیعه را همیشه در جهت حرکت انقلابی و تحول‌آفرین قرار داده است.

انتظار منفی، انتظاری ناقص و در حد اصلاح فردی و گریه شوق در فراق موعود خلاصه می‌شود. گاهی نیز انحراف در این بینش به حدی می‌رسد که با تفسیر غیرصحیح و انحرافی بعضی روایات، ترویج فساد و ظلم و تسلیم در برابر دشمنان مقدمه ظهور پنداشته می‌شود. طرفداران این نوع انتظار، به مصلحان، مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با بغض

1. Strategy

و عداوت می‌نگرند، زیرا آنها را تأخیراندازان در ظهور می‌پندارند. اینان اگر خود هم اهل گناه نباشند در اندیشه خویش به نوعی با رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند.

طبق این تقسیم‌بندی، انتظار راهبردی، همان انتظار مثبت و پویا است و «منتظر» کسی است که در خود آمادگی لازم برای ظهور امام زمان علیه السلام را ایجاد می‌کند. این آمادگی باعث می‌شود تا وی از حالت روحی مناسبی برخوردار باشد و با تلاش و مجاهدت خود را برای رسیدن به آینده‌ای روشن آماده نگه دارد. با این وصف انتظار از سنخ تلاش و عمل و تکاپو و تحرک است. «انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها... انتظار یک عمل است بی‌عملی نیست» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹). با این وصف انتظار مثبت و راهبردی از «کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

در مجموع انتظار راهبردی، طرح و برنامه‌ای است دارای اهداف مشخص که دربردارنده راهکارهای دستیابی به آن اهداف است. این نوع انتظار، موجب آمادگی جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است؛ و موجب می‌شود تا آرمان‌گرایی و نشاط و پویایی و وظیفه‌شناسی و روح امید در افراد زنده شود. انتظار مثبت، پویا، سازنده و راهبردی می‌تواند در حرکت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... نقش آفرین باشد.

۶. مکتب شهید سلیمانی

مکتب یکی از مفاهیم پرکاربردی است که علیرغم استفاده از آن در علوم مختلف، هنوز تفاهم کاملی درباره معنای آن وجود ندارد. مشابهت کاربرد این واژه با مفاهیم دیگری مانند «علم»، «دین»، «مذهب»، «الگو»، «نظام» و «منظومه» (آقانظری و همکاران، ۱۳۹۷ش: ۲۶) بر ابهام معنای آن افزوده است؛ با این همه در تعریفی جامع می‌توان به تعریف استاد مطهری در مفهوم «مکتب» اشاره نمود که عبارت است از:

یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد (مطهری، ۱۳۷۵ش: ج ۲، ۵۵).

برخی پژوهشگران نیز با هدف ابهام‌زدایی از معنای مکتب به بیان مهم‌ترین ویژگی‌های آن پرداخته‌اند که عبارتند از: وجود طرح جامع و منسجم، نظام‌مندی و هماهنگی اجزا، وجود ویژگی متمایزکننده، واجد جهان‌بینی خاص و دستورات عمل‌هایی برای تحقق آن، توجه همزمان به جنبه‌های مختلف درون علمی و برون علمی، تعیین مسئولیت، الهام‌بخشی، دارای حد و مرز و ضوابط مشخص و اعم از دین بودن (هدایتی، ۱۳۹۳ ش).

همان‌گونه که گذشت، به تعبیر مقام معظم رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، نه یک فرد بلکه یک مکتب (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷) در مسیر مکتب اسلام محسوب می‌شود. بدون شک مکتب شهید سلیمانی، جدای از مکتب اسلام و رهبران انقلاب اسلامی نیست؛ از این رو در این تحقیق، منظور از مکتب شهید سلیمانی، سبک و سیره زندگی او بوده که بر ارزش‌های دینی و الهی بنا نهاده شده است.

مبانی انتظار راهبردی

مقصود از مبانی در بحث انتظار راهبردی، همان اصول و قواعد است و این اصول و قواعد، پایه و اساس انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی محسوب می‌شوند که در ادامه به تشریح برخی از مبانی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی پرداخته می‌شود.

۱. توحید و حاکمیت الهی

توحید و پذیرش حاکمیت الهی و اجتناب از طاغوت به عنوان یکی از مبانی اصلی انتظار راهبردی محسوب می‌شود. خداوند در قرآن کریم در این خصوص فرموده‌اند:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل: ۳۶)؛

و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریبگر] بپرهیزید.

توحید، پذیرش حاکمیت خداوند و اجتناب از حاکمیت طاغوت، همگی قابل جمع در گزاره «کلمة الله» است. و براساس آیه قرآن:

﴿وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾ (توبه: ۴۰)؛

و کلمه خداست که برتر است.

از آن جا که «کَلِمَةُ اللَّهِ»، «الْعُلْيَا» است و «كَلِمَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا»، «السُّفْلَى» می‌باشد، پس باید توحید و پذیرش حاکمیت خداوند، مبانی انتظار راهبردی قرار گیرد. و در واقع درخت انتظار

باید در زمین توحید ریشه بدواند تا شاخه‌هایش پرورش یابد و ثمربخش شود؛ ملت مهدوی شیعه به مثابه نهالی است که در روز نخست نحیف است، اما هرچه به توحید نزدیک‌تر شود، روز به روز قوی‌تر و تنومندتر می‌گردد.

۲. امامت و ولایت

یکی از مهم‌ترین مبانی انتظار راهبردی، پذیرش اصل امامت است که این سلسله، از نبوت پیامبر ﷺ آغاز و در ادامه به امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده و در زمان غیبت به ولایت فقیه ختم می‌شود. بر این اساس، همان‌گونه که پذیرش توحید، بدون پذیرش نبوت، ناقص است، پذیرش نبوت نیز بدون پذیرش امامت، ناقص و ابتر است. و یکی از مبانی و ارکان انتظار راهبردی، پذیرش اصل امامت، اعتقاد به غیبت امام زمان علیه‌السلام و تلاش برای زمینه‌سازی ظهور آن حضرت است.

در بحث اطاعت از رهبران الهی آیاتی مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید (نساء: ۵۹) و آیاتی که «اتبِعُوا وَ لَا تَتَّبِعُوا» یا «اطِيعُوا» یا «لا تطيعوا» در آنها به کار رفته است، قابل استفاده هستند. بدیهی است که اطاعتی که در این آیات آمده، بدون شناخت و پذیرش امامت، امکان‌پذیر نیست.

۳. تحقق عدالت

خداوند در فلسفه ارسال رسل، آیات مختلفی بیان فرموده که در صریح‌ترین آیه، به موضوع قسط و عدل اشاره نموده است:

﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)؛

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدالت برخیزند.

یکی از مبانی اصلی مهدویت و انتظار، تحقق حکومت عادلانه مهدوی است.

عدالت‌خواهی یکی از خواست‌های فطری و طبیعی بشر است و بشریت به دنبال گسترش عدالت در جامعه می‌باشد و منتظر روزی است تا با آمدن منجی به این خواست فطری پاسخ داده شود. در این خصوص اولاً ضروری است که در عصر غیبت نیز تحقق عدالت و نزدیک نمودن جامعه، به جامعه عادلانه مطلوب مهدوی، در دستور کار بشریت قرار گیرد و ثانیاً برای تحقق این هدف باید تلاش لازم صورت گیرد. از منظر مقام معظم رهبری (مدظله) عدالت در

سایه تلاش محقق می‌شود و صرفاً با نصیحت امکان تحقق ندارد. ایشان در این باره می‌فرماید: درس دیگری که اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان باید به ما بدهد، این است: عدالتی که ما در انتظار آن هستیم - عدالت حضرت مهدی علیه السلام که مربوط به سطح جهان است - با موعظه و نصیحت به دست نمی‌آید؛ یعنی مهدی موعود ملت‌ها، نمی‌آید ستمگران عالم را نصیحت کند که ظلم و زیاده‌طلبی و سلطه‌گری و استثمار نکنند. با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه عالم مستقر نمی‌شود. استقرار عدالت، چه در سطح جهانی - آن‌طور که آن وارث انبیاء انجام خواهد داد - و چه در همه بخش‌های دنیا، احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

رهبر معظم انقلاب در مورد شهید سلیمانی معتقد است:

الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ شهید قاسم سلیمانی الگوی اسلامی این است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲).

۴. عقلانیت

یکی دیگر از مبانی انتظار راهبردی، عقلانیت، و به تعبیری دیگر، به کارگیری عقل و خرد در برنامه‌ریزی‌ها و انتخاب‌هاست. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیان فلسفه بعثت به «برانگیزانیدن عقل» اشاره می‌کند (دشتی، ۱۳۸۳ ش: ۲۴)؛ از این رو «تفکر و عقلانیت» در راستای تلاش انبیای الهی، حلال مشکلات است؛ زیرا عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد، انسان را به دینداری دعوت و در مقابل خدا به عبودیت وامی‌دارد (کلینی، ۱۴۱۱ ق: ج ۱، ۱۱). در مورد انتظار راهبردی نیز که موضوع این تحقیق است، اصولاً در مطالعات راهبردی که ناظر بر حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است، مهم‌ترین ابزار، عقل است.

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های منجی موعود در اسلام، تقویت عقلانیت در جامعه است. عقلانیتی ارزشی که تمام عرصه‌های زندگی را درمی‌نوردد و بر همه کنش‌های انسان، چیرگی می‌یابد. در آموزه‌های دینی آمده است پس از ظهور نیز رسالت پیامبرانه پرورش عقل انسانی دنبال خواهد شد؛ به عبارت روشن‌تر، یکی از برنامه‌های اصلاح‌گرایانه امام زمان علیه السلام ارتقای سطح فکری انسان‌ها و روشن کردن چراغ عقل است تا در سایه آن بشر بتواند الگویی از روابط اجتماعی برای خود برگزیند که تأمین‌کننده مصلحت دنیوی و اخروی او باشد (مریجی و چراغی



کوتیانی، ۱۳۸۹ ش). امام باقر علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن جمع می‌کند و خیزدهای شان با او کامل می‌شود (کلینی، ۱۴۱۱ ق: ج ۱، ۵۶).

به هر روی، عقل در آموزه انتظار، از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ چراکه در آموزه‌های اسلام آن مقدار که از عقل ستایش شده از کمتر مقوله‌ای تمجید شده است (معین الاسلام، ۱۳۸۴ ش: ۲۸۵).

بنابراین در انتظار راهبردی، انسان منتظر، با بهره‌مندی از عقلانیت مورد تأیید دین، و با معیار قرار دادن ارزش‌ها، مسیر حرکت صحیح را ترسیم و با راهنمایی‌های روشنگرانه دین و عقل به ایفای نقش خود در جامعه مهدوی می‌پردازد.

عنصر عقلانیت و تدبیر در مکتب شهید سلیمانی نیز از مبانی مهمی است که در کنار شجاعت، به این مکتب ویژگی خاص داده است. رهبر معظم انقلاب با اشاره این عنصر، شهید سلیمانی را این‌گونه توصیف می‌کند:

شهید سلیمانی هم شجاع بود، هم با تدبیر بود؛ صرف شجاعت نبود؛ بعضی‌ها شجاعت دارند؛ اما تدبیر و عقل لازم برای به‌کار بردن این شجاعت را ندارند. بعضی‌ها اهل تدبیرند؛ اما اهل اقدام و عمل نیستند، دل و جگر کار را ندارند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

همچنین در جای دیگر می‌فرمایند:

شهید سلیمانی در اداره‌ی اموری که با کشورها ارتباط داشت و او در آنها دخیل بود، با کمال عقل و درایت رفتار می‌کرد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶/۰۹/۱۳۹۹).

یکی از روحیات سردار سلیمانی این بود که به دنبال علت می‌گشت و به سراغش می‌رفت و برنامه‌ریزی می‌کرد تا مسئله حل شود. ایشان در برخورد با اشرار شرق کشور با تحلیل دقیق از وضعیت گرایش آنان به شرارت با ایجاد زمینه اشتغال و ترغیب آنان به تشکیل شرکت تعاونی و کار کشاورزی تا حد زیادی به امنیت منطقه کمک کردند (نامجو، ۱۳۹۹/۱۲/۱۲).

۵. اقدام و عمل‌گرایی

در نگاهی کلان به مقوله انتظار می‌توان دو نوع مواجهه با آن داشت: عمل‌انگاری و سکون‌انگاری. در نگرش نخست، انتظار، بی‌عملی نیست، دست روی دست گذاشتن نیست،

بلکه حرکت است. اما در نگرش دوم، انتظار نوعی ایستایی برای ظهور است. نوعی رکود و بی‌عملی و ساکن‌انگاری است. انتظار راهبردی، از سنخ دسته اول است. در انتظار راهبردی، نگاه فرد و جامعه منتظر، به یافتن وضعیت‌های تازه و مطلوب و تغییر وضعیت خود از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. این ویژگی، جامعه منتظر را به تکاپو، جستجو و یافتن عرصه‌های نو واداشته و از بی‌عملی باز می‌دارد.

در آموزه‌های دینی نیز انتظار، معطوف به عمل دانسته شده است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نگردید؛ زیرا محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزوجل، انتظار فرج است (مجلسی، ۱۳۹۷ق: ج ۵۲، ۱۲۳).

طبق آنچه که در این روایت آمده، انتظار فرج از سنخ «عمل» و رفتار شمرده شده است. دلالت معنایی این مفهوم این است که انتظار فرج، مقوله‌ای «حرکت‌آفرین» و «تعهدآور» است و نه مفهومی «بازدارنده» که سر از «اباحی‌گری» درآورد. به تعبیر استاد مطهری رحمته الله علیه:

انتظار فرج دوگونه است: انتظاری که سازنده است، تحرک‌بخش است، تعهدآور است، عبادت بلکه بافضیلت‌ترین عبادت است و انتظاری که ویرانگر است، بازدارنده است، فلج‌کننده است و نوعی اباحی‌گری محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸ش: ج ۲۴، ۴۳۶).

ایشان با عمل‌انگاری انتظار فرج آن را با مفاهیمی تعریف می‌کند که از آنها همگرایی «انتظار» و «عمل» به روشنی فهمیده می‌شود. از نظر ایشان:

انتظار فرج داشتن یعنی انتظار در رکاب امام بودن و جنگیدن و احیاناً شهید شدن، یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهدبودن در راه حق، نه آرزوی این‌که تو برو کارها را انجام بده، بعد که همه کارها انجام شد و نوبت استفاده و بهره‌گیری شد آن وقت من می‌آیم! (همان: ج ۲۳، ۵۹۷)

از این رو در روایات پیشوایان دین براموری مانند «آمدگی نظامی» (مجلسی، ۱۳۹۷ق: ج ۵۲، ۳۶۶)، و «پرهیزکاری و اخلاق نیکو» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ج ۲۰۰، ۱۶) در دوران غیبت تأکید شده است. بدون شک در روایات، آمدگی نظامی به عنوان یک نوع رفتار و اقدام، برای همراهی با آن انقلاب بزرگ مورد توجه قرار گرفته و این امر با سکون و بی‌عملی تناسبی ندارد. همان‌گونه که لازمه اخلاق نیکو و پرهیزکاری نیز حرکت و عمل معطوف به احیا ارزش‌های دینی است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر، نظارت اجتماعی، تلاش برای گسترانیدن

خوبی‌ها و نیکی‌ها همه از مقوله عمل هستند؛ از این رو جامعه منتظر با حرکت به سوی حیات بخشی به ارزش‌های دینی و احساس مسئولیت در برابر جامعه و حرکت در مسیر اجرای برنامه‌های منجی موعود با هدف بسترسازی برای حضور و ظهور امام زمان علیه السلام با اقدام و عمل منتظران، به تحقق انتظار راهبردی، کمک می‌کند.

رهبر معظم انقلاب نیز در این خصوص معتقد است:

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام يك آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان يك آرزو در دل، یا حدّ اکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید... اعتقاد به امام زمان علیه السلام به معنای گوشه‌گیری نیست. جریان‌های انحرافی قبل از انقلاب تبلیغ می‌کردند، الآن هم در گوشه و کنار تبلیغ می‌کنند که امام زمان علیه السلام می‌آید و اوضاع را درست می‌کند؛ ما امروز دیگر چه کار کنیم! چه لزومی دارد ما حرکتی بکنیم! این مثل آن است که در شب تاریک، انسان چراغ روشن نکند؛ چون فردا بناست خورشید عالمتاب بیاید و روز شود و همه دنیا را روشن کند. خورشید فردا، ربطی به وضع کنونی من و شما ندارد. امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان علیه السلام برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

در مکتب شهید سلیمانی نیز انتظار راهبردی، از سنخ اقدام و عمل و جهاد معطوف به ارزش‌های دینی است. لذا این مکتب نمی‌تواند ستم نظام سلطه بر ملت‌های ستمدیده را نظاره کرده و به امید ظهور منجی، دست روی دست بگذارد؛ از این رو شهید سلیمانی در مسیر برنامه‌های اصلاحی امام زمان علیه السلام چون مبارزه با ظلم و برپایی عدالت و گستراندن ارزش‌های دینی به مبارزه و حرکت و عمل دست می‌زند. همان‌گونه که برای رفع محرومیت‌ها و کاستن از درد و رنج مردمان مصیبت دیده از بروز بلایای طبیعی، در وسط میدان حضوری جهادی دارد. در خوزستان، ایشان به خانه‌های تک تک مردم سر می‌زد... مردی حاضر نبود خانه‌اش را ترک کند. به خاطر سیل و امنیت جانی‌اش باید او را راضی می‌کردند که از منطقه بیرون بیاید. سردار سلیمانی رفت و دست آن پیرمرد را بوسید که شما بیا و امروز به خاطر سلامت و امنیت خودت، از این منطقه خارج شو (شیرازی، ۱۳۹۹ش: ۸۷).

۶. تکلیف محوری و وظیفه‌گرایی

تکلیف محوری و وظیفه‌گرایی یکی دیگر از مبانی انتظار راهبردی است. براساس این مبنا، انسان منتظر در عصر غیبت سعی می‌کند تکالیفی را که بر عهده دارد، به انجام برساند. شهید مطهری رحمته‌الله در این باره می‌گوید:

از جمله استعدادهای انسان استعداد تکلیف‌پذیری است. انسان می‌تواند در چارچوب قوانینی که برایش وضع شده است زندگی کند. هر موجود دیگر غیر از انسان جز از قوانین جبری طبیعی از قانون دیگر نمی‌تواند پیروی کند... ولی انسان یگانه موجود ممتازی است که این «امکان» و «توانایی» شگفت را دارد که در چارچوب یک سلسله قوانین قراردادی رفتار نماید. این قوانین قراردادی از آن نظر که از طرف یک مقام صلاحیت‌دار وضع می‌شود و به انسان تحمیل می‌شود و تحمل قانون از نوعی زحمت و مشقت خالی نیست، به نام «تکلیف» خوانده می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸ ش: ج ۲، ۲۹۳).

یکی از مبانی بحث انتظار راهبردی، عمل انسان به تکلیف و وظیفه است. از منظر رهبر معظم انقلاب، انتظار راهبردی و پویا، وظایف و تکالیفی را در پی دارد که بر منتظران لازم است آنها را به انجام برسانند. ایشان در این باره می‌فرماید:

مسئله انتظار هم که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛... این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد... بدانیم که یک حادثه بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید... انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است... انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

از دیدگاه ایشان بین انتظار و وظیفه‌گرایی انسان ملازمه وجود دارد، یعنی هرچه انتظار شدیدتر باشد به همان میزان تکلیف انسان بیشتر و وظیفه او سنگین‌تر خواهد بود. وی در این باره می‌فرماید:

انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز

قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. ... ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بالعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. ... بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

بنابراین انتظار راهبردی در بطن خود تکلیف محوری و وظیفه‌گرایی را به دنبال دارد. شهید سلیمانی در تبیین اهمیت تکلیف محوری به پیام امام بعد از شکست در عملیات بدر اشاره نموده و می‌فرمود:

ما نباید به پیروزی‌ها و شکست‌ها نگاه کنیم. امام فرموده بودند که: به من گزارشی دادند و ما نباید به پیروزی‌ها و شکست‌ها نگاه کنیم. بلکه باید به تکلیف‌مان نگاه کنیم (قاسم سلیمانی، سخنرانی در جمع مدافعان حرم در سوریه).

وی معتقد بود که هرکس باید وظیفه خود را انجام دهد. لذا در مقابل پیشنهاد کاندیداتوری ریاست جمهوری گفت:

من نامزد گلوله‌ها و خمپاره‌ها هستم. بگذار قدرت به دست اهلش برسد. من نامزد شهادت هستم (فرهادی، ۱۳۹۹ ش: ۸۳).

۷. اعتقاد، ایمان و توکل به خداوند

اعتقاد، ایمان و توکل به خداوند در مسیر انتظار راهبردی، یکی دیگر از مبانی انتظار راهبردی محسوب می‌گردد. منتظران واقعی امام زمان علیه السلام به پشتوانه ایمان به خداوند است که می‌توانند انتظار راهبردی را محقق نمایند. به فرموده خداوند در قرآن:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهُمْ لَا يَسْتَوْسُوا إِيْمَانَهُمْ يُظَلِّمُ أَوْلِيَاءَهُمْ الْأَمَنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام: ۸۲)؛ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند آنان راست‌ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند.

همچنین در قرآن کریم برای ایمان متعلقات فراوانی ذکر شده است، مانند ایمان به غیب، ایمان به ملائکه، ایمان به کتاب خدا، ایمان به خدا، ایمان به آیات الهی. به عبارت دیگر، زمانی که فرد دارای ایمان به غیب و عوالم دیگر و فرشتگان است، و بیروس ترس وارد جان او نمی‌شود و از بلا یا ایمن است.

توکل به خدای یگانه نیز مبنای انتظار راهبردی مؤمنان است. چون انسان مؤمن وقتی می‌تواند به وظایف منتظر واقعی عمل کند که به خدا متکی شود و باور داشته باشد که اتکاء و توکل به خدا نیروبخش و رمز پیروزی است. اتکاء و توکل به خدا مبنای تزلزل ناپذیری است که موجب می‌شود انسان چون بنیانی مرصوص و دژی مستحکم و نفوذناپذیر و نترس در برابر همه موانع بایستد. سخن پیامبران الهی این بود:

﴿وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْ يُضِلَّنَا عَلَىٰ مَا آذَيْنُونَا وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (ابراهیم: ۱۲)؛

و ما را چیست که بر خدا توکل نکنیم و حال آن‌که او راه‌های [راست] ما را به ما بنمود و ما بی‌گمان بر آزاری که به ما می‌کنید شکیبایی خواهیم کرد پس توکل‌کنندگان باید بر خدا توکل کنند و بس.

پیامبران الهی با داشتن توکل به خدا توانستند در برابر همه دشمنی‌ها دشمنان شان و همه سختی‌ها و مشکلات مقاومت و پایداری کنند.

بر این اساس، اعتقاد به خدا، ایمان به خدا، و توکل به او، تنها راه تحقق انتظار راهبردی است. و این به خاطر این آیه است که:

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ (نحل: ۹۶)؛

آنچه نزد شماست رفتنی است و آن‌چه نزد خداست باقی و ماندگار است.

از این رو انتظاری راهبردی، پویا و ثمربخش است که بر مبنایی ماندگار و جاوید اعتقاد، ایمان و توکل به خدا بنا شده باشد و انتظاری که بر این مبنای مستحکم و ماندگار بنا شده باشد و با اعتقاد به «انا لله و انا اليه راجعون» (بقره: ۱۵۶) صورت بگیرد، ماندگار و ثمربخش خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب در مورد شهید سلیمانی معتقد است:

شخصیت‌های ایمانی وقتی که این ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش می‌شود شخصیتی مثل حاج قاسم، که قدرت‌های بزرگ، حتی دشمنانش او را تحسین می‌کنند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۶/۱۱/۱۳۹۸).





شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی

انتظار راهبردی، از شاخصه‌های متعددی برخوردار است که از ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... قابل دسته‌بندی است. در این بخش به تبیین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی پرداخته می‌شود.

۱. ولایت‌مداری

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های انتظار راهبردی، ولایت‌مداری و اطاعت از ولایت است. و دلایل متعددی برای ضرورت ولایت‌مداری به عنوان یک شاخص اساسی در انتظار راهبردی وجود دارد. یکی از دلایل اهمیت و ضرورت ولایت‌مداری، ایجاد همبستگی و وحدت و همگرایی منتظران واقعی ظهور است چرا که وجود این همگرایی در افراد جامعه اسلامی، زمینه را برای تحقق و گسترش «فرهنگ دینی» انتظار و «امر قدسی» ظهور منجی فراهم می‌آورد. لذا در روایات مختلف بر نقش «وحدت بخشی» امام تأکید شده است. برای نمونه امام علی علیه السلام یکی از فلسفه‌های وجودی نهاد ولایت را ایجاد همبستگی اجتماعی دانسته (دشتی، ۱۳۸۳ش: ۴۸۶، خ ۲۵۲) و جایگاه رهبر را چونان ریسمانی محکم معرفی کرده است که مهره‌ها را متحد می‌کند و به هم پیوند می‌زند (همان: ۱۹۰، خ ۱۴۷).

تفکر شیعه در نگرش به آموزه مهدویت نیز بر این نکته تأکید دارد که مهدی موعود علیه السلام به عنوان ولی الهی، پس از ظهور به وحدت امت اسلامی همت خواهد گمارد که این خود نشان از ارزش بودن گفتمان «وحدت و اتحاد» است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

خداوند به وسیله او دل‌های پراکنده و مخالف یکدیگر را به هم پیوند می‌دهد (کلینی،

۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۱۴).

نیز امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف مهدی موعود علیه السلام می‌فرماید:
 به وسیله ما خداوند پس از دشمنی فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت، دل‌های‌شان را با هم الفت می‌دهد، همان‌طور که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد (مجلسی، ۱۳۹۷ق: ج ۵۱، ۸۴).

دلیل دیگر بر ضرورت ولایت‌مداری، ضرورت هدایت و راهنمایی جامعه توسط ولی خداست. منتظر در انتظار راهبردی، در دو ساحت اندیشه و عمل، ولایت پذیر است؛ چون رسیدن به فلسفه خلقت و اجرای دستورات و برنامه‌های دین در جامعه، با اشراف و رهنمایی ولی خدا صورت می‌گیرد.

دلیل دیگر ضرورت ولایت‌مداری این است که ولی خدا، در عمل به نقش خود نیازمند یاری جامعه است. حضرت علی علیه السلام با توجه به همین مسئله زمام‌داری ظاهری جامعه را با وجود امتناع پیشین می‌پذیرد (دشتی، ۱۳۸۳ش: ۳۰، خ ۳). همین حقیقت در زمان غیبت نیز که ولایت امر به دست نایب عام امام زمان علیه السلام است، قابل طرح است. در این میان، نقش مردم در مقام فعلیت بخشیدن به این نظام مؤثر است و درحقیقت مردم در مقبولیت، عینیت بخشی و کارآمدی حکومت اسلامی نقشی اساسی دارند؛ چراکه حاکمیت دین حق و نظام اسلامی مانند هر نظام دیگری با آرزوها تحقق نمی‌پذیرد، بلکه حضور مردم و اتحاد آنان بر محور حق را می‌طلبد. مردم با پذیرش دین و پذیرش ولایت حاکم اسلامی دین خدا را در جامعه متحقق می‌سازند. اگر مردم در صحنه نباشند و حضور جدی نداشته باشند، حتی اگر رهبر آنان در حد امام علی علیه السلام باشد، نظام اسلامی موفق نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۸ش: ۸۲-۸۳).

افزون بر این دلایل، اساساً ولایت‌پذیری در عصر انتظار، مانند تمرینی عملی برای پذیرش و تبعیت از ولایت حضرت مهدی علیه السلام موعود بوده که امری بدیهی و وظیفه‌ای قطعی و همگانی است.

مکتب شهید سلیمانی نیز عرصه تحقق شاخصه مهم ولایت‌مداری است. این حقیقت را هم در سیره رفتاری و هم ساحت اندیشه‌ای سردار شهید می‌توان دید. وی ضمن توصیه همه جریان‌های کشور به حفظ اصول انقلاب، تبعیت از ولایت فقیه را به عنوان اولین اصل می‌خواند و می‌نویسد:

اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این‌که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است

که [اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد... ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید (سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، وصیت‌نامه، ۱۳۹۹/۱۰/۵).

وی در واکنش به تعریف مجری صداوسیما از خود گفت:
باید این تعارفات را کنار بگذاریم. من فقط سرباز ولایت هستم و تنها افتخارم خدمت به مردم است (فرهادی، ۱۳۹۹ش: ۹۰).

در آخر نیز همین عبارت «سرباز ولایت» را برای سنگ قبرش انتخاب کرد؛ چرا که به راستی وی سرباز ولایت بود.

۲. جهانی اندیشیدن

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های انتظار راهبردی، جهانی اندیشیدن است. منظور ما از جهانی اندیشیدن، دیدن و تحلیل پدیده انتظار راهبردی در تراز جهانی و نه منطقه‌ای و محلی است. دلایل مختلفی مبین لزوم این شاخصه است:

هم‌سنخ بودن این نگاه با آموزه مهدویت: انقلاب مهدوی، انقلابی جهانی است و خیزشی برای اصلاح همه جهان است و به تعبیری، هدف آن اصلاح انسان است و نه صرفاً اصلاح جامعه اسلامی. بدون شک جامعه‌ای که به انتظار مصلح جهانی نشسته است، باید نگاهی در تراز همان افق داشته باشد. در روایت نیز حوزه کنشگری امام زمان علیه السلام همه گستره زمین معرفی شده است (کلینی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۳۳۸). بر این اساس، به انتظار مصلح جهانی نشستن و خواسته و آرمان محلی و منطقه‌ای داشتن، ترکیبی از عناصر ناهمگون بوده و این ناهمترازی، در رفتار نظام، اختلال ایجاد می‌کند. اگر رهبر یک جنبش، آرمانی جهانی داشته باشد و پیروان آن، آرمانی منطقه‌ای داشته باشند، این گسست آرمانی، منجر به عدم همراهی مردم می‌شود.

پیوستگی پدیده‌ها: امروزه برخلاف دوره‌های گذشته حیات بشر، پدیده‌ها از پیوستگی بیشتری برخوردارند. اگر در گذشته، بروز یک پدیده، زندگی انسان را در منطقه‌ای خاص، دگرگون می‌کرد، امروزه پدیده‌ها هویتی جهانی یافته‌اند و رخداد یک پدیده در آن سوی جهان، زندگی مردم در سوی دیگر جهان را متأثر می‌سازد. چگونه می‌شود این پندار را پذیرفت که دینداری ناب پیامبرانه را در نقطه‌ای از زمین، ترویج کرد، بدون آن که زورمندان در نقطه‌ای دیگر، در مقابل آن سکوت اختیار یا با آن همراهی کنند؟ آیا نظام سلطه در مقابل انقلاب اسلامی، حزب الله لبنان، انقلاب یمن و... سکوت کرد؟ در روایات نیز آمده است دشمنان و

طاغوت‌ها در مقابل انقلاب مهدوی خواهند ایستاد.

بنابراین انتظار راهبردی را باید انتظاری دانست که جهانی می‌اندیشد. بدین معنا که هرگونه مسئولیتی را که آموزه انتظار بر عهده جامعه منتظر گذاشته، در گستره‌ای وسیع‌تر از چشم‌انداز منطقه‌ای می‌بیند. اگر آموزه انتظار، دستگیری و دفاع از مظلومان را بر عهده دارد، باید با یک نگاه راهبردی، این امر را جهانی دید و حمایت از مظلومان را در چشم‌اندازی به وسعت همه عالم دنبال نمود.

وجود این شاخصه را به روشنی می‌توان در مکتب شهید سلیمانی نیز مشاهده کرد. در مکتب او، دفاع از مظلومان منحصر در حمایت از مردم ایران نبود، بلکه از سوریه گرفته تا عراق و یمن و حتی فلسطین حوزه فعالیت او بود. با توجه به همین مطلب است که رهبر معظم انقلاب در توصیف شهید سلیمانی او را شهید امت اسلام می‌نامد و می‌فرماید:

شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

به تعبیر برخی دوستان شهید سلیمانی:

ایشان یک نگاه دوراندیشانه و بلندی داشت؛ یعنی فقط به آسیا و خاورمیانه نگاه نمی‌کرد، بلکه افق دورتری را برنامه‌ریزی می‌کرد. شهید حاج قاسم سلیمانی آرام آرام جبهه مقاومت را هویت بخشی کرد (فضلی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳).

رهبر معظم انقلاب در تفسیر جهانی اندیشیدن سردار شهید می‌فرماید:

شهید سردار سلیمانی روحیه فداکاری و نوع دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها [مطرح] نبود؛ نوع دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶).

۳. تمدن‌سازی اسلامی

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های انتظار راهبردی، داشتن رویکردی تمدنی است. لذا آگاهی از وضعیت مطلوب و شیوه دست‌یابی به آن، از مهم‌ترین مؤلفه‌های نگاه راهبردی محسوب می‌گردد. بر این اساس، داشتن عمق راهبردی به لحاظ فرهنگی، از ویژگی‌های برجسته رویکرد تمدن‌سازی است؛ زیرا لازمه گسترش و قوام یک فرهنگ، جهانی شدن آن است و اگر فرهنگی به سمت تمدن‌سازی حرکت نکند، قابلیت جامعه‌سازی خود را از دست می‌دهد و به لایه‌های درونی و فردی فرو کاسته خواهد شد (عرفان، ۱۳۹۳: ۶۸).

بهره‌مندی از رویکرد تمدن‌سازی اسلامی بدان جهت اهمیت دارد که در جهان بینی اسلامی

«انسان‌سازی» جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن هدف از بعثت پیامبران را انسان‌سازی برای رسیدن به هدف خلقت می‌داند. در این میان، تمدن‌سازی جهت ایجاد فضای مناسب برای تحقق انسان‌سازی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است؛ چراکه غایت تمدن اسلامی، رساندن بشر به حیات طیبه و قرب الهی است (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸ش: ۳۳۰).

امروزه زندگی انسان، رویکرد جهانی و تمدنی به خود گرفته و چون اسلام دینی آسمانی با آموزه‌های جهان‌شمول و با گنجایش تمدن‌سازی در عرصه جهانی است، کنشگر منتظر، همگام و با تکیه بر این ظرفیت، بهره‌مند از رویکرد تمدن‌سازی اسلامی است؛ بدین معنا که پدیده‌های پیرامون را در افقی جهانی تحلیل می‌کند و محلی و منطقه‌ای یا صرفاً «آن جهانی» یا «این جهانی» اندیشه نمی‌کند، بلکه با نگرش توحیدی، تمدن اسلامی را تمدنی می‌داند «ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (جان احمدی، ۱۳۹۳ش: ۵).

این نگرش، خود را به ملیت، نژاد، قومیت و فرهنگ خاص محدود نمی‌کند، بلکه رسالت خود را در ساحت جهانی و در افقی بالاتر از این ساختارهای محدودیت آفرین تعریف می‌کند؛ از این رو نتیجه تمدن‌سازی اسلامی، ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی براساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی خواهد بود که جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶ش: ۴۳).

منتظر واقعی در رویکرد راهبردی خود، دو مؤلفه را دنبال می‌کند: از سویی دینداری را صرفاً به توجه محض به «آن جهان» تعریف نمی‌کند، بلکه پیشرفت هماهنگ مادی و معنوی را در نظر دارد و از سوی دیگر، پیشرفت مادی و معنوی را صرفاً برای ملیت، نژاد و قومیت خود طلب نمی‌کند، بلکه افق نگاه او به گستردگی «جهان» است. این نگاه هم‌تراز، رویکردی است که در آموزه انتظار وجود دارد و لذا هم جهانی می‌اندیشد و هم جهانی عمل می‌کند. و تعابیری که در آیات و روایات در خصوص گستره حاکمیت او بیان شده، حاکی از جهان‌گستر بودن برنامه‌ها و اقدامات او است. روایات در توصیف تمدنی که به دست او بنا نهاده می‌شود، مرزهای آن را مشرق و مغرب عالم می‌داند (مجلسی، ۱۳۹۷ق: ج ۵۲، ۱۹۱)؛ از این رو انتظاری را می‌توان راهبردی دانست که هماهنگ با آرمان‌های منجی، افقی تمدن‌ساز دارد.

در مکتب شهید سلیمانی نیز رویکرد تمدن‌سازی اسلامی چهره‌ای غالب است. سلیمانی به عنوان منتظر واقعی، جهانی می‌اندیشید و خواستار خوبی و خیر و عدالت برای همه جهانیان

بود. همراهی او با جهادگرانی از ملیت‌های مختلف ایرانی، عراقی، لبنانی، پاکستانی و افغانستانی از یک سو و مواجهه و مبارزه او با نظام سلطه جهانی در بخش‌های وسیعی از کشورهای اسلامی چون سوریه، لبنان، عراق، یمن و فلسطین از سوی دیگر، از رویکرد تمدن‌سازی این مکتب حکایت دارد. رهبر معظم انقلاب با اشاره به همین ویژگی و با معرفی شهید سلیمانی به «چهره بین‌المللی مقاومت» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳) معتقد است شهید سلیمانی «روحیه فداکاری و نوع‌دوستی داشت؛ یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها [مطرح] نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۹/۲۶). همچنین لازمه تمدن‌سازی، حفظ انقلاب است که به فرموده رهبر معظم انقلاب در این مسیر نیز شهید سلیمانی سرآمد بود:

شهادت او [سردار سلیمانی]، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید. عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب در ایران از بین رفته است، مرده است، تمام شده - البته عده‌ای هم سعی می‌کنند که این اتفاق بیفتد - [اما] شهادت او نشان داد که انقلاب زنده است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

۴. امیدآفرینی

یکی از دست‌آوردهای مبنایی نظام هستی براساس حکمت الهی این است که مردم با اعتقاد بدان، باور دارند که بلایایی چون ظلم و ستم و باطل‌گرایی و... روزی از بین خواهد رفت و سنت دائمی در میان مردم نخواهد بود. در نتیجه حرکت و سمت و سوی جامعه را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که آنان را نسبت به آینده‌شان امیدوار می‌سازد و یأس و ناامیدی را از اذهان شان می‌زداید. بنابراین امیدآفرینی یکی از شاخصه‌های مهم انتظار است که موجب می‌شود تا در پرتو آن، مردم در مقابل ظلم و ستم ایستادگی کنند.

رهبر معظم انقلاب یأس و ناامیدی مردم به خصوص نخبگان را عامل اساسی عدم مقاومت در برابر ظالمان برمی‌شمرد، و در این باره می‌فرماید:

اولین درس عملی از این موضوع (مهدویت و انتظار) این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است... مجموعه بزرگی از نخبگان که سررشته کار در دنیا در دست آنهاست، اسیر یأس و ناامیدی‌اند و این یأس و ناامیدی را به ملت‌های خود سرازیر می‌کنند و آنها را از این‌که بتوان نقشه ظالمانه و شیطانی امروز دنیا را عوض کرد، مأیوس می‌کنند. بدیهی است که انسان‌های مأیوس نمی‌توانند هیچ حرکتی در راه اصلاح انجام دهند. آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار

و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است. اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده حتمی ظهور مهدی موعود علیه السلام هستیم، این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست. ما می‌گوئیم نخیر، می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلط ستم‌گران را برای همیشه به طور مسلم ننوشته است. انسان‌ها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در يك نقطه محدود - بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشار ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بیورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چه طور ملت‌ها بیدار می‌شوند... جوانان و روشنفکران و عموم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام این اعتقاد راسخ را در دل خود پرورش می‌دهند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، امیدآفرینی از مهم‌ترین شاخصه‌های اندیشه مهدویت و انتظار راهبردی است؛ ایشان در این باره می‌فرماید:

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. يك نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله امید همواره وجود دارد؛ می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

زیرا بر طبق باور به حکمت الهی، مهدویت و انتظار تحقق بخش اراده الهی در نابودی ظلم و ستم است؛ لذا انتظار مشحون از امید خواهد بود. مقام معظم رهبری با یادآوری این نکته می‌فرماید:

اعتقاد به مهدویت... امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند يك پایان روشن حتمی وجود دارد؛ بروبرگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۲۵).

براساس این مبنا «افضل الاعمال» دانستن انتظار فرج توجیه می‌شود. ایشان در این باره می‌فرماید:

وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن بست‌های جاری زندگی هم همین فرج، متوقع و مورد انتظار است. این درس امید به همه انسان‌هاست؛ این درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

۵. بصیرت

یکی دیگر از شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، «بصیرت» است. نقطه آغاز حرکت اعتقادی اسلام و دعوت به حق، براساس تعالیم دینی، بصیرت است. خداوند در قرآن کریم، پیامبر ﷺ و همه پیروانش را به دعوت به حق و حرکت در مسیر حق و صراط مستقیم الهی براساس بصیرت، مأمور می‌کند و می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف: ۱۰۸)؛

بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم.

یعنی راه هدایت و صراط مستقیم رسیدن به خدا، صراط درک و فهم و تشخیص صحیح وظایف و عمل براساس آن است.

مکتب حیات بخش اسلام به ما می‌آموزد که در صحنه‌های زندگی، پیروی‌ها، حمایت‌ها، دوستی‌ها، دشمنی‌ها و موضع‌گیری‌ها، براساس شناخت عمیق و بصیرت عمل نماییم و با یقین و اطمینان به درستی کار و حقایقیت مسیر و شناخت خودی و بیگانه و حق و باطل گام برداریم. چنان‌که برای حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر، چشم ظاهر لازم است تا در چاه نیفتیم و یا گرفتار راهزنان و دزدان نگردیم، برای رسیدن به اهداف متعالی و سیرالی‌الله و حرکت در مسیر حق، چشم بصیرت لازم است تا در دام باطل و شیاطین انس و جن نیفتیم.

قرآن کریم با زیبایی هرچه تمام‌تر انسان‌های فاقد شناخت و بصیرت را «کور دل»، و انسان‌های متصف به شناخت و بصیرت را «بینادل» معرفی می‌کند و آدمیان را مخاطب قرار می‌دهد که چرا درباره این حقایق و واقعیت‌ها نمی‌اندیشید تا راه یابید. برای نمونه خداوند می‌فرماید:



﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ (انعام: ۵۰)؛

آیا کور(دل) و بینا(دل) با هم برابرند؟ چرا نمی‌اندیشید؟

کوری مورد نظر قرآن، نه فقدان چشم سر، که فقدان چشم دل و عقل است که باعث عجز و ناتوانی در کسب حقایق الهی و اتّصاف به ارزش‌ها و خصال والای اخلاقی و رفتاری می‌گردد. همچنین بینایی مورد نظر قرآن، داشتن چشم سر و دیدن محسوسات نیست، بلکه بینایی قلب و عقل است که حاصل آن، معرفت و شناخت نسبت به هستی و آفرینش و نظم و شگفتی‌هایی است که خالق یکتا آنها را وسیله‌ای برای دریافت بصیرت و دانایی قرار داده است.

بصیرت در آموزه‌ها و فرهنگ قرآنی، حالتی است که به انسان توانایی درک درست حقایق و تحلیل واقعیت‌ها را می‌دهد. از این روست که آیات قرآنی، به مسئله بصیرت از ابعاد مختلف پرداخته‌اند؛ زیرا با بصیرت است که آدمی موقعیت خود را می‌سنجد و نسبت به آن واکنش مناسب نشان می‌دهد. این بصیرت به عنوان شاخصه اساسی انتظار راهبردی در فرهنگ مهدویت محسوب می‌گردد.

کاربرد بصیرت در انتظار راهبردی، نتایج مهمی را در مسیر آرمان‌خواهی فرهنگ مهدوی به دنبال دارد. یکی از آثار و نتایج مهم بصیرت، شناخت دوست و دشمن می‌باشد. با وجود بصیرت در جامعه، حق و باطل از یکدیگر تشخیص و مانع نفوذ دشمن می‌گردد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد، بر اثر بی‌بصیرتی است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۶/۲۷).

در مسیر سختی‌های انتظار، بصیرت، بی‌اعتباری دنیا و لذت‌های آن را بر ملا می‌کند. از این رو، فرد، مشکلات و سرزنش‌های چند روزه را تحمل نموده، بر مسیر حق، پایدار و استوار باقی می‌ماند.

همچنین بصیرت، موجب استقامت در راه حق بوده و ثبات قدم به دنبال می‌آورد. رسول خدا ﷺ در این خصوص در مورد سلمان فارسی می‌فرماید:

عَبْدُ نَوْرِ اللَّهِ قَلْبُهُ أُبْصِرَتْ فَأَثْبُتَ (مجلسی، ۱۳۹۷ق: ج ۲۲، ۱۲۶، ح ۹۸)؛

سلمان، بنده‌ای است که خداوند قلب او را نورانی کرده؛ [هنگامی که] بصیرت یافتی ثابت قدم باش.

رهبر معظم انقلاب در خصوص تأثیر بصیرت در استقامت و ثبات قدم در همراهی با معصوم زمان خود، با اشاره به خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه می‌فرماید:

آنهایی که دور امیرالمؤمنین بودند و ایستادند و جنگیدند، خیلی بصیرت به خرج دادند که بنده بارها از امیرالمؤمنین نقل کرده‌ام که فرمود: «ولا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ در درجه اول، بصیرت لازم است (همان: ۱۳).

شهید سلیمانی در مورد ضرورت بصیرت معتقد است:

باید افرادی که بصیرت قوی دارند، افراد فاقد بصیرت را راهنمایی کنند که مبادا در جبهه دشمن گرفتار شوند (سلیمانی، یادواره شهدای محمدی پور، ۱۳۸۸).

۶. عزت

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، عزت طلبی است و منتظر واقعی با این اهرم باید بتواند در برابر مخالفان اسلام بایستد. اصل اساسی سیاست خارجی اسلامی، اصل عزت و اقتدار اسلام، ملت و حکومت اسلامی است. این اصل که از جهان بینی اسلامی نشأت گرفته است، هماهنگ با «نهی سبیل»، «نهی سلطه جویی و سلطه پذیری» و راهبرد «نه شرقی، نه غربی» است.

عزت از کمالاتی است که مطلوب همگان است. کسی را نمی‌توان یافت که خواهان عزت نباشد. عزت از لوازم مُلک و سلطنت است. آن که سلطان تمام هستی است و چیزی از سلطه حقیقی او خارج نیست، در برابر اشیاء و اشخاص نفوذناپذیر است و از کسی یا چیزی شکست نمی‌خورد. بنابراین، عزت حقیقی از آن ذات اقدس الهی است که هیچ‌گونه محدودیتی در اصل هستی و کمالات ندارد و تمام کمال‌های محدود و امداوار او هستند. در نتیجه عزت و ذلت حقیقی دست خداست.

آیات قرآن کریم، عزت حقیقی و ذاتی را تنها در انحصار ذات اقدس الهی می‌داند:

﴿أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (نساء: ۱۳۹)؛

آیا نزد کافران عزت می‌طلبند؟ عزت همه نزد خداست.

﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (یونس: ۶۵)؛

هر عزت و اقتداری مخصوص خداست.

﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾ (فاطر: ۱۰)؛

هر که طالب عزت است (بداند که همانا در ملک وجود) تمام عزت خاص خدا (و خداپرستان) است.



و سزّ این مسئله آن است که او مالک و مَلِک حقیقی نظام هستی است و همه مقهور قدرت اویند. همچنین قرآن کریم در بعضی آیات عزت را به غیر خداوند نیز نسبت داده است:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون: ۸)؛

و حال آن که عزّت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است.

ممکن است منتظران واقعی در اثر فشار دشمن، در عرصه جهانی و منطقه‌ای، متحمل سختی‌هایی شوند، اما باید این نکته را بدانیم که از شاخصه‌های انتظار راهبردی این است که باید به دنبال کسب عزت حقیقی بود؛ چرا که پیروزی نهایی در اثر عزت کسب می‌گردد. عزتمند واقعی، استوار در برابر توطئه‌ها و فشار قرار می‌گیرد. جریان مهدویت و منتظران در صورتی که به چنین مرحله‌ای از ایمان برسند که عزت واقعی را از آن خداوند دانسته و به دنبال عزت حقیقی باشند، دارای اقتدار و استقامت بالایی خواهند بود و هیچ‌گونه تهدیدی آنها را به عقب‌نشینی از مواضع اصولی وادار نمی‌کند.

شهید سلیمانی در تبیین اهمیت عزت می‌فرمود:

چه ارزشی دارد که کسی پاسپورت ما را قبول دارد یا ندارد؟ بله رتبه پاسپورت مهم است؛ اما آیا مهم‌تر از عزت ماست؟! (سلیمانی، سخنرانی در کنگره شهدای استان گیلان)

۷. استقلال

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، استقلال و سلطه‌ستیزی است. تأکید بر «استقلال و سلطه‌ستیزی»، یکی از اصول اساسی در مکتب مهدوی، به منظور مقابله با استعمار قرار دارد. که این اصل، گاهی تحت عنوان «نه شرقی نه غربی» و در اصطلاح دینی به عنوان «نفی سیل» مطرح می‌شود.

در انقلاب اسلامی، دو شعار راهبردی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با الهام از نظریات امام علیه السلام، موجب رواج اندیشه تازه‌ای در ملت ایران شد. این نظریات که عمیقاً دینی بود، برآیند شخصیت مذهبی امام و ساختار عمیق دینی در آحاد ملت ایران بود و موجب خروج ایران از دایره بسته جهان دو قطبی و خیزش به سوی افق‌های تازه گردید؛ افق‌هایی که پایه‌های آن بر عزّت ملی، منافع ملی، حقوق انسانی و احترام متقابل بر مبنای آموزه‌های اسلامی استوار شده بود. این روند، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز ترسیم می‌کند که به ایجاد يك جامعه اسلامی براساس اسلام ناب

محمدی، تعارض با دشمنان بشریت (اسرائیل و آمریکا)، دفاع از مسلمانان و دفاع از نهضت‌های آزادی بخش منجر می‌شود.
خداوند در قرآن به این اشاره نموده است:

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاهُ وَيَحْذَرِكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (آل عمران: ۲۸)؛

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هرکس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود)، مگر این‌که از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید).
خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد، و بازگشت (شما) به سوی خداست.

این آیه زمانی نازل شد که روابطی میان برخی از مسلمانان با مشرکان و یهود و نصاری وجود داشت و چون ادامه این ارتباط، برای مسلمین زیان بار بود، مسلمانان از این کار نهی شدند. این آیه درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد که هرگز بیگانگان را به عنوان دوست و حامی و یار و یاور نپذیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت‌های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند، زیرا ضربه‌های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است.
خداوند در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه: ۴۰)؛

و خداوند سخن (یا آئین) کافران را پائین (مغلوب و شکست خورده) قرار داد و سخن خدا (یا آئین او) را بالا (پیروز و غالب) قرار داد. خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است.

این فراز از آیه اعلام می‌کند که اراده خدا، برتر از هر اراده و خواسته‌ای است و نیروهای استکباری، در مقابل مؤمنانی که سکینه و اطمینان دارند، با همه تخصص‌ها و امکانات‌شان عاجزند و عزت و اعتلای کلمه‌الله و خنثی شدن توطئه‌های کفار، نمودی از عزت و حکمت خداوند است.

در مورد نفی سبیل نیز در قرآن آمده است:

﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء: ۱۴۱)؛

و خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

براساس این آیه، مؤمنان حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و سلطه‌پذیری نشانه نداشتن

ایمان واقعی است. مؤمنان باید کاری کنند که کفار از سلطه بر آنان برای همیشه مأیوس باشند.

شهید سلیمانی در تبیین اهمیت استقلال می فرمود:

عزت و استقلال ما امروز بر هر چیزی ارجحیت دارد. استقلال در یک بعد نیست. استقلال در همه ابعاد است. استقلال در فرهنگ، هویت دینی، اقتصاد و... (سلیمانی، سخنرانی در کنگره شهدای استان گیلان).

۸. وحدت و همبستگی

«وحدت و همبستگی» یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی محسوب می‌شود که همواره مورد تأکید اسلام و منابع دینی قرار گرفته است. یکی از دلایل تأکید اسلام بر عنصر وحدت و اتحاد، نقش آن در ایجاد امت اسلامی و همچنین تأثیر آن در مسیر تحقق جامعه مهدوی است. واژه‌هایی مانند تعاون، جماعت، اجتماع، مودت، اخوت، الفت، تألیف قلوب، امت، امت واحده، الفت، اخوت و برادری دینی، و... که در متون دینی زیاد وارد شده است به نوعی دربردارنده معنای وحدت و اتحاد و بیانگر اهمیت آن از دیدگاه اسلام می‌باشد. اتحاد میان مسلمانان در سراسر جهان و انسجام اسلامی از اصول راهبردی مورد توجه قرآن و سیره نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام است. قرآن مسلمانان را به وحدت در پیروی از خدا و پیامبرش دستور می‌دهد و از تنازع و مشاجره جهت پیشگیری از سستی و زیونی و اضمحلال اقتدار و عظمت‌شان به طور صریح نهی می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال: ۴۶)؛

از خدا و فرستاده‌اش پیروی کنید و نزاع نکنید؛ زیرا سستی می‌شوید و شکوه و جلالت شما از بین می‌رود.

اسلام به اصل وحدت و اتحاد از دیدگاه سیاسی - اجتماعی آن نگرسته و بر اهمیت آن میان انسان‌ها، مسلمانان و ادیان الهی تأکید نموده است. قرآن با هدف یکپارچگی در سایه وحدت عقیده، مؤمنان را برادران یکدیگر خوانده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات، ۱۰)؛

هر جامعه‌ای برای پایایی و پویایی خود و نیز برای دست‌یابی به اهدافش نیازمند همبستگی بین همه اعضا است. از سویی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای دین، ایجاد همبستگی اجتماعی است؛ بنابراین دین می‌تواند منبعی قابل اعتماد و پایان‌ناپذیر برای همگرایی

اجتماعی و پیشران حرکت جامعه باشد. بدین جهت دورکیم دین را نظام یکپارچه‌ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می‌داند که تمام پیروان پایبند به عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی، هماهنگ و متحد می‌سازد (افروغ، ۱۳۷۹ ش: ۶۵). از نظری تشریفات و شعائر دینی برای پیوند دادن اعضای گروه ضروری است. او معتقد است مناسک دینی در زمانی که مردم ناچار به سازگاری با تغییرات عمده در زندگی‌شان هستند، همبستگی گروهی را مجدد تأیید می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۶ ش: ۵۰۴).

در آموزه‌های اسلامی نیز به کارکرد انسجام بخشی دین تصریح شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند میان افراد در جامعه اسلامی، همان عقیده اسلامی است که موجب به وجود آمدن مشترکات بسیاری در زمینه باورها، ارزش‌ها و نیز هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و حقوقی در میان مسلمانان می‌شود. این یگانگی در جهان بینی، کنش‌های اعضای جامعه اسلامی را سمت و سویی الهی می‌بخشد. یگانگی در دین و اعتقادات مذهبی، نه تنها همبستگی اجتماعی را در بین افراد درون یک مرز جغرافیایی و سیاسی پدید می‌آورد، بلکه این‌گونه مرزها را نیز درمی‌نوردد و همه معتقدان به آئین اسلام در سرتاسر گیتی را منسجم می‌کند (میریجی و چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹)؛ از این رو انتظار در صورتی می‌تواند راهبردی باشد و جامعه را به سوی تحقق اهداف ظهور پیش ببرد که واجد قدرت انسجام بخشی باشد.

جامعه منتظر برای حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نیازمند نوعی اتحاد و وفاق اجتماعی است که این مهم از رهگذر اشاعه فرهنگ دینی تحقق می‌یابد. جامعه‌ای که بتواند با تکیه بر عناصر وحدت بخش دین، انسجام اجتماعی ایجاد کند هم به پایایی و پویایی خود کمک کرده و هم در مسیر برنامه‌های منجی موعود حرکت کرده است و زمینه‌ساز ظهور خواهد بود؛ زیرا براساس روایات یکی از راهکارهای مهمی که حضرت مهدی علیه السلام برای ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه به کار خواهند بست، گسترش جهان بینی و ارزش‌های یگانه بر پایه آموزه‌های اصیل اسلام است. در دوران پس از ظهور، جهان بینی یکپارچه‌ای بر جهان حاکم می‌گردد و الگوهای رفتاری جامعه نیز به تبع آن جهان بینی، یکپارچه و منسجم خواهد بود و یکرنگی و یگانگی واقعی در اندیشه و کنش پدیدار خواهد شد. امام صادق علیه السلام در توصیف آن دوران می‌فرماید:

پس سوگند به خدا ای مفضل که اختلاف از ملت‌ها و ادیان برداشته می‌شود و دین یگانه می‌شود، همان‌گونه که خداوند فرمود: همانا دین در نزد خدا اسلام است (مجلسی، ۱۳۹۷ ش: ج ۵۳، ۴).

آنچه ضرورت وجود این شاخصه را برای جامعه منتظر، دوچندان می‌کند، فعالیت نظام سلطه در تلاش برای محو، تضعیف یا تحریف دین به عنوان محوری‌ترین عامل همبستگی ملت‌ها است. امروزه در شرایطی که دشمنان اسلام تمام تلاش خویش را برای مبارزه و مقابله با اسلام به کار بسته‌اند، وحدت اسلامی جامعه مهدوی، بسیار ضروری‌تر از گذشته به نظر می‌رسد و پرداختن به اختلافات و مسائل تفرقه‌انگیز نتیجه‌ای جز به هدر رفتن سرمایه‌ها و استفاده دشمن از این اختلافات، نخواهد داشت. بنابراین یکی از عوامل پیشرفت هر ملت و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد است. رهبر معظم انقلاب در این خصوص معتقدند:

این برای دستگاه استکبار و استعمار تهدید است؛ یک و نیم میلیارد مسلمان، این همه کشورهای اسلامی با این همه منابع، این نیروی انسانی فوق‌العاده؛ اگر این [مجموعه] متحد باشد و با وحدت به سمت اهداف اسلامی حرکت بکند، قدرتمندان دیگر نمی‌توانند در دنیا کوس قدرت بزنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۹/۲۷).

بر این اساس انتظار وقتی راهبردی است که در برابر برنامه‌های دین‌ستیزانه نظام سلطه ایستادگی شده و به تقویت باورهای مردم همت گماشته و از این طریق، همبستگی معطوف به اهداف تحقق یابد.

این شاخصه را در مکتب شهید سلیمانی نیز می‌توان به روشنی مشاهده کرد. وی هم در دوره حیات و هم پس از شهادتش، عامل همبستگی بود. یکی از هم‌زمان شهید سلیمانی با تأکید بر روحیه وحدت بخش سردار سلیمانی می‌گوید:

رزمندگان ایرانی در دفاع مقدس، همه ایرانی بودند و زبان یکدیگر را می‌فهمیدند، در دوران دفاع مقدس و در جهت اهداف مشترک حرکت می‌کردند، اما در محور مقاومت، نیروهای انسانی گاهی از جهت تفکر با هم متضاد بودند و کسی می‌بایست این نیرو را جمع و در آن اتحاد ایجاد می‌کرد که این شهید بزرگوار این کار را انجام داد. اتحاد و یکپارچگی نیروی انسانی در عرصه فرماندهی در محور مقاومت از جمله ویژگی‌های بود که این شهید بزرگوار داشت (شکراللهی، ۱۳۹۹).

۹. جهاد همه‌جانبه و همیشگی

جهاد در متون دینی، به گونه‌ای خاص از تلاش گفته می‌شود که به معنای مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن است (نجفی، ۱۴۳۲ق: ج ۲۱، ۳) و این بدان معناست که جهاد منحصر در جهاد نظامی نیست. انسان هرکجا که هست، می‌تواند مجاهد

فی سبیل الله باشد؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. به هر روی بر پایه ادبیات دینی شرط رسیدن به هر هدفی به صورت عام تلاش و مجاهدت است. هیچ چیز بدون مجاهدت به دست نخواهد آمد (نجم: ۳۹) و به صورت خاص نیز هرکه خواهان معنویت و آخرت باشد و در طلب آن سعی کند و مؤمن باشد، به هدفش خواهد رسید (اسراء: ۱۹) و امروزه نیز هرجایی که مسلمانان دچار تحقیر و ذلت می‌شوند، به سبب همین عدم تحرک و عدم مجاهدت است؛ زیرا جایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعاً هست (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷).

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، جهاد و تلاش همه‌جانبه و همیشگی است؛ زیرا در ماهیت انتظار راهبردی، حرکت به سوی وضعیت مطلوب نهفته است. از این رو هم لازم است که این حرکت، به صورت مستمر و همیشگی تحقق پیدا کند و هم با بسترسازی درست و دقیق در همه ساحت‌های زندگی ظهور یابد. این بدان معنا است که رسیدن به وضعیت مطلوب بدون تلاش برای تغییر در وضعیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و مطلوب ساختن آنها میسر نخواهد بود؛ از این رو منتظران واقعی جامعه تلاش می‌کنند هم‌نوا با ساختار جامعه مهدوی و با الگو قرار دادن آن جامعه آرمانی، وضعیت خویش را سامان دهند. نکته مهم این است که بدانیم حتی در جامعه مهدوی نیز دگرگونی در ساختارهای گوناگون جامعه بدون جهاد مستمر و رنج و سختی میسر نخواهد شد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ۲۹۴).

این شاخصه نیز به روشنی در مکتب شهید سلیمانی ظهور و بروز یافته بود. این امر را می‌توان در خلال سال‌های طولانی پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی تا به هنگام شهادت او دید. وی عمر خویش را صرف جهاد مستمر و بدون وقفه در راه خدا کرد. او از دوره مبارزه با گروهک‌ها در آغاز انقلاب اسلامی، دوران هشت ساله جنگ تحمیلی، مرحله مبارزه با اشراق شرق کشور و در نهایت حضور طولانی در جبهه‌های مقاومت از افغانستان گرفته تا لبنان و فلسطین و سوریه و... مجاهدی خستگی‌ناپذیر بود و در این مسیر هیچ‌گاه آرام و قرار و استراحت نداشت. به تعبیر مقام معظم رهبری:

او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

محمدباقر قالیباف در بیان ویژگی‌های شهید سلیمانی با تأکید بر این ویژگی می‌گوید:
ما در بچه رزمنده‌های مان کسی را نداریم که چهل سال بی‌وقفه مجاهدت کرده باشد. حاج قاسم از اول جنگ تا لحظه شهادت مجاهدت کرد. اگر ما بعد از جنگ به

تهران آمدیم و در کارهای ستادی یا سازندگی مشغول شدیم، ولی حاج قاسم یک دهه اسلحه به دست هم با شوروهایی که واقعاً شرارت می‌کردند و وابستگی خارجی داشتند مقابله می‌کرد، هم با محرومیت‌زدایی (قالیباف، ۱۳/۱۰/۱۳۹۹).

شهید سلیمانی در این زمینه معتقد بود:

شما باید به آن چیزی که در مورد جهاد بردوش است، عمل کنی و همه راه‌ها را بروی و در حد توان خود ظرفیت‌ها را ایجاد کنی و بقیه را به عهده خدا بگذاری (وجاهدوا فی الله حق جهاده)، یک معنایش این است (سلیمانی، سخنرانی در جمع مدافعان حرم در سوریه).

۱۰. ظلم‌ستیزی

یکی مهم‌ترین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، «ظلم‌ستیزی» است. به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری پرهیز کنند، از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب نمایند. اصولاً اگر ستمکش نباشد، ستمگر کمتر پیدا می‌شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آنها ستم کند. باید پیش از آن که به ظالم بگوئیم ستم مکن، به مظلوم بگوئیم تن به ستم مده. امام با استناد به قرآن و سیره انبیاء، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن در دو کلمه «... لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ»؛ ستم نمی‌کنید و مورد ستم واقع نمی‌شوید» (بقره: ۲۷۹) خلاصه می‌شود. این فراز از آیه ۲۷۹ سوره مبارکه بقره، گرچه در مورد رباخواران آمده ولی در حقیقت یک شعار فراگیر اسلامی است که می‌گوید:

به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری به پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۳۷۷).

همچنین خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ... فَمنَ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ ما اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۱۹۰-۱۹۴)؛

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد... و هرکس بر شما تجاوز کرد، پس همانند آن تجاوزی که بر شما روا داشته، بر او تجاوز کنید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.

ظلم‌ستیزی خواست فطری بشریت است و بر پایه آن مردم در انتظار ظهور منجی موعود به سر می‌برند. زیرا بر طبق وعده داده شده، با ظهور منجی، ظلم و ستم، از ریشه کنده می‌شود و جامعه انسانی طعم شیرین عدالت را خواهد چشید. در حقیقت:

روز موعود یعنی روزی که عدالت با جهانی پراز جور و ستم روبرو می‌شود و پایه‌های آن را ویران می‌کند و طرحی نو در می‌اندازد. روز موعود یعنی روزی که ستم به هر اندازه که فزونی یابد و در جهان ریشه بدواند و بر مقدرات، حکومت کند، بایستی نابود شود و هرگز جاودانه نخواهد بود. این تفکر که ظلم در اوج خود بایستی شکست بخورد و این شکست حتمی است؛ به ستم‌دیدگان و امت‌های رنجیده، امید می‌بخشد که محاسبات را تغییر دهند و کاخ ظلم را فرو ریخته و بر خرابه‌های آن شالوده عدالت را پی‌ریزی کنند... وقتی از ما خواسته می‌شود به مهدی ایمان بیاوریم... مقصود این است که به ما الهام شود تفکر نفی هر نوع ظلم و ستم که مهدی ستم‌بل آن است؛ اینک در شخص پیشوای منتظر که به زودی ظهور خواهد کرد، تجسم یافته است، شخصیتی که به همه قدرت‌ها «نه» می‌گوید (صدر، ۱۴۱۷ ق: ۴۴).

بنابراین منتظران ظهور که خود را برای آن واقعه مهم آماده و برای آن زمینه‌سازی می‌کنند؛ ظلم‌ستیزی و مبارزه با مظاهر مختلف ظلم و ستم را باید یکی دیگر از وظایف خودشان بدانند و خود را برای این رسالت مهم آماده نمایند.

این مطلب در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) مورد توجه قرار داده شده و در بیانات مختلف بدان اشاره شده است. ایشان در باره رسالت دین اسلام در این خصوص می‌فرماید:

اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چه طور می‌تواند اسلام باشد و بشریت به سمت آن حرکت کند؟ بشر به سمت آن چیزی حرکت می‌کند که مظهر آن، وجود مقدس مهدی علیه السلام باشد و او کسی است که در احادیث متواتر وارد شده که دنیا را از عدل و داد پُر می‌کند و ظلم را ریشه‌کن می‌سازد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

براساس مبنای یاد شده باید گفت: تلاش برای مبارزه با ظلم و ستم و مقاومت در این راه، رسالت مهم و خطیری است که منتظران واقعی آن را از مکتب انتظار می‌آموزند و باید در سبک زندگی منتظرانه بدان پایبند باشند. بنابراین در انتظار راهبردی، از طرفی ظلم‌ستیزی از مؤلفه‌های انتظار فعال و پویا است، و از طرف دیگر ظلم‌ستیزی مستلزم مقاومت است. در خصوص استکبارستیزی شهید سلیمانی رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

الآن در دنیای اسلام هر جایی که بنای مقاومت در مقابل زورگویی استکبار را داشته باشند، مظهر و اسم رمزشان شهید سلیمانی است (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۹/۲۶).

۱۱. حق طلبی

یکی دیگر از شاخصه‌های سیاسی انتظارراهبردی، حق طلبی است. حق طلبی نیز همانند ظلم ستیزی یکی دیگر از خواست‌های فطری انسان است؛ براساس آن همه انسان‌ها و در همه مکان‌ها با هر دین و آئینی به سمت حق گرایش دارند و حق طلب می‌باشند. شهید مطهری رحمته‌الله در باره فطرت حق جویی می‌نویسد:

قرآن همان‌طور که برای وجدان عقلی انسان اصالت قائل است؛ برای او يك اصالت وجدانی و فطری نیز قائل است؛ و براساس همان فطرت حق جویی و عدالت طلبی است که انسان‌ها را به سیر و حرکت و از این رو پیامش منحصر به طبقه کارگر یا کشاورز یا محروم و مستضعف نمی‌شود. قرآن به ظالم و مظلوم، هر دو خطاب می‌کند که به راه حق بیایند (مطهری، ۱۳۸۸ ش: ج ۲۹، ۵۴۰).

ایشان معتقد است:

ظهور مهدی موعود علیه‌السلام حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهمیم بودن يك فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است؛ نشان می‌دهد که مهدی موعود علیه‌السلام مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است... از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود علیه‌السلام آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود علیه‌السلام تحقق بخش ایده‌آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است (همان: ج ۲۴، ۴۳۷-۴۳۸).

با توجه به این مطلب، از دیدگاه مقام معظم رهبری فرج نهایی برای انسان یکی از معانی انتظار است. پیروزی حق بر باطل یکی از مصادیق فرج نهایی است که از فطرت حق خواهی انسان نشأت می‌گیرد. بر طبق این تفسیر، با ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام دیگر باطل هرگز نخواهد توانست جولان دهد و در نهایت حق بر باطل پیروز خواهد شد. ایشان در این باره می‌فرماید:

نکته بعدی در باب مهدویت، انتظار فرج است. انتظار فرج يك مفهوم بسیار وسیع و

گسترده‌ای است. يك انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترك تازی می‌کنند و چپاول‌گری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بدانند که این وضعیت يك وضعیت گذراست - «للباطل جولة» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

و از این منظر بنای عالم بر حق استوار است:

باطل جولانی می‌کند و قابل ادامه یافتن نیست. آنچه که خواهد توانست فضای عالم آفرینش را در اختیار بگیرد، حق است و بنای عالم بر حق است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۸/۲۱).

۱۲. ایثار و شهادت طلبی

ایثار و شهادت طلبی از دیگر شاخصه‌های انتظار راهبردی محسوب می‌شود. در فرهنگ اسلامی - شیعی، شهادت طلبی و جهاد فی سبیل الله یکی از مفاهیم والا، آرمانی و مقدس است که باید در خانواده و جامعه اسلامی گسترش یابد. در این صورت می‌توان از آن در قالب سرمایه اجتماعی اسلامی یاد کرد. فرهنگ شهادت طلبی نباید به صورت یک حرکت انقلابی و در مواقع و مقاطع حساس و حیاتی (مانند حماسه عاشورا) معرفی شود؛ بلکه باید به مثابه اقدام امیرالمؤمنین علیه السلام در واقعه لیلۃ المبیت به یک سمبل فردی و خودجوش و مرتبط با ولایت و متضمن تمامی شرایط ویژه، از جمله: بصیرت، صداقت، محبت و... باشد. به گونه‌ای که هر فردی که خود را جزو جامعه اسلامی می‌داند، در صلح و جنگ، آسایش و بحران، فقر و غنا، ضعف و توان، پیشرفت و عقب ماندگی، و خلاصه در همه جا خود را فدایی آرمان‌های بلند اسلام بداند، بماند و بنماید.

فرهنگ سیاسی شیعه، نقش مثبت و مؤثری در ایجاد روحیه شهادت طلبی داشته است. یکی از نمادهای مهم در گستره دین و مذهب شیعه به عنوان مقوله‌ای تأثیرگذار بر روحیه جهاد و شهادت طلبی، حادثه عاشورا است. همچنین فرهنگ ایثارگری و جهاد و شهادت را می‌توان فرهنگ اصلی شیعه در دوره انتظار دانست که بارها کارآمدی خود را در عرصه‌های مختلف به اثبات رسانده است.

همچنین در کنار شهادت طلبی، یکی دیگر از شاخصه‌های انتظار، مقوله «ایثار» است، ایثار از



مؤلفه‌های اثرگذار و حرکت‌آفرین در دوره انتظار برشمرده می‌شود. ایثار به معنای برگزیدن خواسته دیگران بر خواسته خود و مقدم داشتن مصلحت غیر بر منفعت خود است و ارزشی است که از تلاش و فداکاری در راه خدا حاصل می‌شود. خداوند در توصیف ایثار انصار نسبت به مهاجران می‌فرماید:

﴿يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوَفِّ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر: ۹)؛
آنها کسانی را که به سوی‌شان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارند.

در دوره انتظار، پیروان مهدی علیه السلام به تبعیت از اولیای الهی سختی‌ها را به جان می‌خرند و از خوشی‌ها چشم می‌پوشند تا دیگران از این خوشی‌ها بهره‌مند باشند و از این رهگذر قلب انسان‌ها را به قطب عالم متوجه سازند. چنان‌که در برخی روایات از یاران امام زمان علیه السلام به «رفقا» یاد شده که به معنای دوستان همدل، همراز، با لطف و صفا است، گویا برادران تنی‌اند:
كأَنتَ رِبَا هُمُ أَبٌ وَاحِدٌ أَوْ أُمٌّ وَاحِدَةٌ، قُلُوبُهُمْ مَجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ التَّصَيُّحَةِ (یزدی حائری، ۱۴۲۲ق: ص ۱۶۵)؛
گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است.

شهید سلیمانی در تبیین اهمیت شهادت طلبی معتقد است:
بالاترین آیات قرآن، حماسی‌ترین آیات قرآن، مربوط به جهاد و شهادت است (قاسم سلیمانی، سخنرانی در یادواره شهدای خانوک).

وی در تمامی مراحل، به دنبال ایثار و از خودگذشتگی بود. برای نمونه برای دفاع از سپاه گفت:

سپاه را با من که عیب دارم، مقایسه نکنید. من را هدف قرار دهید، نه سپاه را. اگر سپاه نبود، کشور نبود (قاسم سلیمانی، سخنرانی در جمع رزمندگان و پیشکسوتان دفاع مقدس استان کرمان).

و یا در جسارت به پرچم ایران گفت:

من وقتی صحنه نابخردانه آن نادان در آتش زدن پرچم ایران را دیدم، خیلی دلم

سوخت. گفتم ای کاش به جای پرچم، خود من را (نه تصویر من) ده بار آتش می زدند. چرا که ما برای سرافرازی این پرچم در هر قلعه ای ده شهید داده ایم (قاسم سلیمانی، سخنرانی در هجدهمین نشست عمومی بصیرت).

مقام معظم رهبری در تفسیر شهادت طلبی وی معتقد است:

شهید سلیمانی را دشمنان تهدید کرده بودند که تو را به قتل خواهیم رساند؛ این بزرگوار به دوستانش گفته بود که اینها تهدید می کنند من را به چیزی که دارم در کوه و بیابان و پست و بلند دنبالش می گردم (آیت الله خامنه ای، ۱۲/۰۲/۱۴۰۰).

و یا در بحث ایثار و از خودگذشتگی وی می فرماید:

یک مواردی پیش می آید که باید فداکاری کرد، باید جان را به کف دست گرفت؛ مثل شهید سلیمانی که جانش را کف دستش گرفته بود و وارد میدان های گوناگون می شد (آیت الله خامنه ای، ۲۹/۱۱/۱۳۹۹).

۱۳. مقاومت و استقامت

از دیگر شاخصه های انتظار راهبردی، مقاومت و استقامت در برابر ناملایمات برای رسیدن به اهداف مطلوب است. استقامت در ادبیات قرآنی درباره راهی گفته می شود که بر روی خط هموار است و راه حق به آن تشبیه شده است و استقامت انسان، یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ۶۹۲).

برای رسیدن به هدف و گسترش یک فرهنگ به دو عنصر مهم نیاز است: نخست تلاش برای پذیرش یک عقیده و آرمان از سوی فعالان آن عرصه و دوم استقامت و پایداری بر عقیده علیرغم عارض شدن شرایط دشوار. قرآن برای دست یابی جامعه اسلامی به اهداف و دوری از ترس و غم در آینده، آنان را به استقامت در دینداری دعوت می کند:

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است (فصلت: ۳۰).

مقاومتی که به عنوان شاخصه انتظار راهبردی از آن یاد می شود، در عرصه های گوناگون زندگی باید جریان داشته باشد از این رو شامل مقاومت فرهنگی، سیاسی، امنیتی و نظامی است. به هر روی، نقطه مقابل مقاومت، انحراف و سرکشی است و ناکامی ها ناشی از سستی در استقامت است و تمام پیشرفت ها در استقامت ریشه دارند.

در ادبیات جامعه شناختی نیز به مقاومت در قالب نظریه های علمی توجه شده است. در



برخی تبیین‌ها اعتقاد بر این است که اساس فرهنگ امپریالیسم به گونه‌ای سازمان یافته است که منجر به تصدیق برتری غرب بر دیگران شود (سعید، ۱۳۸۲ ش: ۲۹۲)؛ از این رو آنتی تز سلطه غربی، در مفهوم «اراده فعال» و «مقاومت ایجابی» از سوی ملل استعمارزده معرفی می‌شود (همان: ۱۶).

در آموزه مهدویت نیز براهمیت استقامت برای دستیابی به ظهور و گشایش‌های حاصل از آن تأکید شده است. در بسیاری از روایات، صبر و انتظار فرج در کنار هم آمده و انتظاری عبادت دانسته شده است که با صبر همراه باشد:

انتظار فرج همراه با صبر عبادت است (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۵۲، ۱۴۵).

این تعبیر بیانگر آن است که مقاومت به انتظار معنا می‌بخشد و بُن‌مایه آن است. در تعبیر دیگری از همین سنخ، امام رضا علیه السلام از قرین بودن انتظار با صبر و مقاومت به نیکی یاد می‌کنند:

صبر همراه با انتظار فرج چه نیکو است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ۶۴۵).

این شاخص نیز در مکتب شهید سلیمانی به روشنی دیده می‌شود؛ از این رو مقام معظم رهبری در توصیف سردار سلیمانی به این ویژگی اشاره می‌کند. از نظر ایشان:

شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

ایشان ضمن برشمردن دو ویژگی «شجاعت» و «مقاومت» به عنوان خصلت‌های ایرانی، شهید سلیمانی را «مظهر شجاعت» و «مظهر مقاومت» معرفی می‌کند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶). استقامت در شرایط سخت و هولناکی که نظام سلطه جهانی با محوریت داعش و گروه‌های تروریستی دیگر در سوریه و عراق و... ایجاد کرده بودند و خروج پیروزمندانه از آن وضعیت با نابودی ایادی استکبار، نشان از روحیه مقاومت و استقامت این مکتب است. شهید سلیمانی بر این باور بود که «تحلیل، شجاعت و ایستادگی سپاه، بر همه ایستادگی‌ها اثرگذار است... سپاه از درون بحران‌های سخت و تاریک، نامشخص و نامعلوم که انتهای آن مشخص نبود، از درون ترس و همین وحشت سخت، مهم‌ترین فرصت‌ها را تولید کرده است... از دفاع مقدس و از آن قله نورانی، یک نورانیت دیگری تولید کرد به نام مدافع مقدس حرم و ایستاد... سپاه مقاومت را هم کیفی و هم کمی توسعه داد» (شیرازی، ۱۳۹۹ ش: ۱۱۴).

۱۴. تقویت درونی و آمادگی

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های انتظار راهبردی در جهت مقابله با جبهه‌سازی دشمن بر علیه جامعه منتظر، تقویت درونی و آمادگی آنهاست که در قرآن بر آن تأکید گردیده است. در عصر حاضر، آمریکا و طرفداران آن در حال حاضر به هیچ وجه جرأت اقدام نظامی بر علیه ایران به عنوان محور مقاومت را ندارند و اعزاز نمایندگان آنها به ایران پس از ترور شهید سلیمانی و تهدید آنها به انتقام سخت، بیانگر این واقعیت است که آمریکا از هرگونه جنگ مستقیم با ایران، در هراس است. حمله به پایگاه عین الاسد و اقدامی که در طول ۷۵ سال پس از جنگ جهانی دوم هنوز هیچ کشوری به خود اجازه حمله مستقیم نظامی به آمریکا در این سطح را نداده است، بدون واکنش و اقدام نظامی از سوی آنها همراه بود که این مسئله نیز شاهدهی دیگر بر ترس ابرقدرت‌های پوشالی غرب در جنگ مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی ایران است.

اما سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چه چیزی مانع وقوع جنگ دشمنان قسم خورده با ما می‌شود؟ که مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و نیروی پدافند هوایی ارتش، قدرت نظامی و دفاعی ایران و قوی بودن را موجب این امر دانستند. ایشان با تأکید بر لزوم قوی شدن کشور در همه جهات به ویژه در زمینه دفاعی گفتند:

ما به دنبال تهدید هیچ کشور و ملتی نیستیم بلکه به دنبال حفظ امنیت کشور و جلوگیری از تهدید هستیم.

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر این که ضعیف بودن، دشمن را تشویق به اقدام خواهد کرد، افزودند:

برای آن که جنگ نشود و برای آن که تهدید تمام شود، باید قوی شد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹).

تقویت قدرت دفاعی و حفظ آمادگی برای جهاد یکی از شاخص‌های مهم در الگوی انتظار راهبردی است که خداوند به مسلمانان امر نموده است آن جا که فرمودند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال: ۶۰)؛

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان و رزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان و



دشمنانی غیر ایشان را که نمی‌شناسید، ولی خدا آنان را می‌شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.

در جای دیگر درباره آمادگی، مراقبت و تجهیز مسلمانان در مقابله با دشمن و استفاده از تاکتیک‌های جنگی فرمودند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حُدُودَكُمْ فَانْفِرُوا تُبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا﴾ (نساء: ۷۱)؛

ای اهل ایمان! [در برابر دشمن مهیا و آماده باشید و] سلاح‌ها و ساز و برگ جنگی خود را بگیرید، پس گروه گروه یا دسته جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید.

در این دستورات الهی، یکی از شاخص‌ها و اصول حیاتی و سرنوشت‌ساز مبارزه با دشمنان مطرح شده است که باید مورد توجه جدی مسلمانان قرار گیرد زیرا اگر آنان قدرت دفاعی و مبارزه را از پیش آماده کنند دشمنان هرگز نمی‌توانند آنان را شکست دهند اما اگر بخواهند منتظر باشند تا پس از حمله دشمن آمادگی خود را تقویت کنند باید بدانند که گاهی دشمنان فرصت این کار را به آنان نخواهند داد و با یک حرکت غافلگیرانه آنها را نابود خواهند کرد همان‌طور که از این نمونه‌های تلخ در تاریخ مواجهه مسلمانان با دشمنان‌شان کم نیست.

سیره عملی پیامبر ﷺ و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند، در تهیه سلاح و نفرات، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه و انتخاب زمان مناسب برای حمله به دشمن و به کار بستن هرگونه تاکتیک جنگی، هیچ مطلب کوچک و بزرگی را از نظر دور نمی‌داشتند. معروف است که در ایام جنگ حنین به پیامبر ﷺ خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر ﷺ فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۷، ۲۲۴).

انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که موجب آمادگی فرد برای چیزی که در انتظارش است حکایت می‌کند (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸ ق: ج ۲، ۱۵۲). در تعریف دیگر گفته شده:

انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

بنابراین منتظر کسی است که در خود آمادگی لازم برای ظهور امام زمان ﷺ را ایجاد می‌کند.

این آمادگی باعث می‌شود تا وی از حالت روحی مناسبی برخوردار باشد و با تلاش و مجاهدت خود را برای رسیدن به آینده‌ای روشن آماده نگه دارد. با این وصف انتظار از سنخ تلاش و عمل و تکاپو و تحرک است. «انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها... انتظار یک عمل است بی‌عملی نیست» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

مقام معظم رهبری شهید سلیمانی را مظهر اقتدار معرفی نموده و معتقد است: شهید سلیمانی مظهر اقتدار بود، در کل منطقه اقتدار ملی ایران را به رخ دشمنان کشور و دشمنان انقلاب می‌کشید، مظهر این روحیه اقتدار ملی بود، مردم به این احترام گذاشتند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۲/۰۴/۱۳۹۹).



نتیجه گیری

«انتظار فرج» عنصر مشترک همه ادیان است و در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی آمادگی لازم را در بشریت به وجود می‌آورد؛ در اندیشه اسلامی این باور در قالب اندیشه مهدویت متجلی شده است و اهمیت آن باعث شده، همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی به خصوص شیعه قرار گیرد و حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را براساس آن پی‌ریزی نمایند. انتظار در یک تقسیم، به دو نوع انتظار مثبت و انتظار منفی قابل تقسیم است که نگاه راهبردی به مقوله انتظار منجر به جهت‌دهی مثبت به این مقوله مهم شود. انتظار راهبردی، دارای مبانی و شاخصه‌های مشخصی است که چارچوب آن را ترسیم و حدود و ثغور آن را

مشخص می‌کند. همچنین از آن جا که بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند: شهید قاسم سلیمانی را نباید در شخصیت او محدود نمود؛ چرا که او خود یک مکتب است؛ می‌توان این موضوع را براساس این مکتب واکاوی نمود.

در این نوشتار تلاش شد تا مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی کاوش شود. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق در تبیین مبانی انتظار راهبردی عبارتند از: توحید و حاکمیت الهی، امامت و ولایت، عدالت خواهی، عقلانیت، اقدام و عمل‌گرایی، تکلیف محوری و وظیفه‌گرایی، و در نهایت اعتقاد، ایمان و توکل به خداوند.

همچنین در مکتب شهید سلیمانی می‌توان مهم‌ترین شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی را در موارد ذیل ارائه داد: ولایت‌مداری، جهانی‌اندیشیدن، تمدن‌سازی اسلامی، امیدآفرینی، بصیرت، عزت، استقلال، وحدت و همبستگی، جهاد همه‌جانبه و همیشگی، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی، ایثار و شهادت‌طلبی، مقاومت و استقامت، و در نهایت، تقویت درونی و آمادگی.

بدون شک مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی، منحصر در موارد یافته‌های این تحقیق نیست، بلکه با دقت نظر در این مکتب که خود متکی به مکتب انسان‌ساز اسلام است، می‌توان به ظرفیت‌های بیشتری دست یافت؛ اما آنچه اهمیت دارد بدان پرداخته شود، این است که زمانی می‌توان ادعا کرد که انتظار عینیت یافته در جامعه، انتظار راهبردی است و ظرفیت پیشران بودگی برای وضعیت مطلوب را داراست که بخش قابل توجهی از اعضای جامعه این شاخصه‌ها را در خود به ظهور رسانده و انتظار را از سطح انتظار فردی به سطح انتظار اجتماعی ارتقا داده باشند. لازمه این امر ترویج این مکتب و بیان اهمیت آن با استفاده از قالب‌های گوناگون هنری و با بیان‌های علمی و منطقی با هدف اقناع‌سازی افکار عمومی و گرایش آنان به سبک زندگی برآمده از این مکتب است.

منابع

قرآن کریم

بیانات مقام معظم رهبری

بیانات سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر

- انتشارات اسلامی.
۳. آقانظری، حسن؛ توکلی، محمدجواد؛ بیدار، محمد (۱۳۹۷ش)، «معناشناسی «مکتب»»، «نظام» و «علم» در ادبیات اقتصاد اسلامی»، «معرفت اقتصاد اسلامی»، سال ۱۰، شماره ۱۹.
 ۴. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
 ۵. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۱ش)، تفسیر همگام با وحی، قم: انتشارات التمهید.
 ۶. پیروزمند، علیرضا؛ خورشیدی، محمد (۱۳۹۸ش)، «مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)»، «دوفصل‌نامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی»، سال ۲، شماره ۱.
 ۷. جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۳ش)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (نشر معارف).
 ۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء.
 ۹. دشتی، محمد (۱۳۸۳ش)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
 ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، مفردات الفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، قم: ذوالقربی.
 ۱۲. زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۵ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالهدایه.
 ۱۳. سعید، ادوارد (۱۳۸۲ش)، فرهنگ و امپریالیسم: بررسی فرهنگی سیاست امپراطوری، ترجمه: اکبر افسری، تهران: توس.
 ۱۴. شکراللهی، اصغر (۱۳۹۹ش)، ایجاد اتحاد و همبستگی رمز موفقیت سردار سلیمانی در جبهه‌های نبرد بود (سخنرانی)، خبرگزاری شبستان، <http://shabestan.ir/detail/News/1011643>
 ۱۵. شیرازی، علی (۱۳۹۹ش)، شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی، قم: خط مقدم.
 ۱۶. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق) بحث حول المهدی، با مقدمه: دکتر عبدالجبار شراره، بیروت: الغدیر.
 ۱۷. عرفان، امیر محسن (۱۳۹۳ش)، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: معارف.
 ۱۸. عمید، حسن (۱۳۴۲ش)، فرهنگ لغت، تهران: امیرکبیر، اول.
 ۱۹. غلامی، رضا (۱۳۹۶ش)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران: سوره مهر.

۲۰. فرهادی، تورج (۱۳۹۹ش)، *مالک زمان*، تهران: انتشارات شهید ابراهیم هادی.
۲۱. حق شناس، علی محمد (۱۳۹۸ش)، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۲۲. فضل‌ی، علی (۱۳۹۹ش)، *حاج قاسم فرهنگ دفاع مقدس را به جبهه مقاومت صادر کرد (مصاحبه)*، پایگاه قاسم سلیمانی به نشانی: <https://soleimani.ir/news/74>.
۲۳. قالیباف، محمد باقر (۱۳۹۹ش)، *حاج قاسم هیچ وقت برای خودش زندگی نکرد (مصاحبه)*، پایگاه قاسم سلیمانی به نشانی: <https://soleimani.ir/news/77>.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق)، *اصول الکافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۵. گل محمدی آرمان، فریده (۱۳۸۴ش)، *رسالت جهانی حضرت مهدی*، بی جا: دارالنشر اسلامی.
۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶ش)، *جامعه شناسی*، تهران: نشر نی.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۷ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۸. مریجی، شمس‌الله؛ چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۹ش)، «تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال ۴، شماره ۱۴.
۲۹. مشیری، مهشید (۱۳۷۴ش)، *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: سروش.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. معین‌الاسلام، مریم (۱۳۸۴ش)، «عقلانیت در دکترین مهدویت»، *فصل‌نامه انتظار*، سال ۶، شماره ۱۷.
۳۴. معین، محمد (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: زرین.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، *مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم*، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، پنجم.
۳۷. نامجو، مجید (۱۳۹۹ش)، *به دنبال علت می‌گشت و با برنامه‌ریزی مسائل را حل می‌کرد (مصاحبه)*، پایگاه قاسم سلیمانی به نشانی: <https://soleimani.ir/news/120>.
۳۸. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۴۳۲ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق: عباس

- قوچانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴۰. هدایتی، احمد رضا (۱۳۹۳ش)، آشنایی اجمالی با مفهوم مکتب، در تارنمای ره توشه: <http://rahtooshe.com>
۴۱. وصیت نامه سیاسی الهی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی (۵/ ۱۰/ ۱۳۹۹)، در: پایگاه قاسم سلیمانی به نشانی: <https://soleimani.ir/news/15>
۴۲. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق)، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، تحقیق: علی عاشور، بیروت، مؤسسة الأعلمی.

